

سیاست خارجی مبتنی بر اصل استقلال

در روز دوشنبه ۲۶ مرداد ۶۰ عمل آورد (متن این مصاحبه روز سه شنبه در روزنامه منتشر شد)
سیس چهارشنبه ۲۸ مرداد ۶۰ آفای دکتر باهر ، نخست وزیر ، ضمن مصاحبه ای (که روز پنجشنبه بقیه در صفحه ۱۱

بدنال برنامه ای که در مورد سیاست خارجی ، به هنگام طرح برنامه دولت در مجلس شورای اسلامی ، مطرح گردید ، آفای مهندس میر حسن موسوی ، وزیر امور خارجه ، جمهوری اسلامی ایران ، مصاحبه ای در زمینه شی سیاست خارجی

درباره ضرورت پاکسازی انقلابی و اصولی

تفاله های آمریکا را بیرون کنید!

ایران متحلی شده است ، تنها یکی از اشکال توطئه و تحریک بمنظور سرکوب انقلاب اسلامی ایران و اسد ام جمهوری بقیه در صفحه ۲

واقعی خویش عمل نمی کند ، این روش که تا بحال صورت تجاوز هواپیماها و هلسکوپترها و کماندوهای آمریکایی به طیس و تجاوز لاسکر صدام حسین به

امیرالایسم آمریکا ، متحدان و عمال و تفاله هایش برای سرکوب انقلاب اسلامی ایران و مسدود کردن جمهوری اسلامی ایران ، سهاز روبرو و با چهره

امام خمینی خطاب به هیئت دولت:

آنکه وظیفه خود را صد درصد صحیح انجام داد ملت بود . اکنون نوبت شماست!

باید عمل کرد!

انجام هر چه سریعتر اقداماتی بسود زحمتکشان ، که نتایج ملموس ببار آورد ، ضرورت مبرم انقلاب است

را ، که از اهدای " جانان ، بچه ها شان و جوانها شان " برای حفظ انقلاب دریغ نکرده اند ، ارج می نهند و بار دیگر بر شالوده پیوند عمیق و ناگسستی میان خود و مردم " مستمند و " مستضعف " ، از مردم ، از آنها ای که " کار خود را صد در صد صحیح انجام دادند " و " در همه مشکلات با دولت موافقت کردند " سیاستگری میکنند . کلمات کوتاه ، ساده و صریح رهبر انقلاب ، نقش عظیمی را که مردم و بویژه زحمتکشان ، در این دوران طولانی و پر مشقت برای حفظ انقلاب از گرد توطئه های امیرالایسم و تفاله های آمریکا بقیه در صفحه ۱۰

امام خمینی در مقابل رئیس جمهور نخست در بروکابینه جدید ، گفتند : " آنکه کار خود را صد در صد صحیح انجام داد ، ملت بود ... حالا نوبت آقایان است . ۰۰۰ مردم به جای برنامه دادن عمل می خواهند ، هیچ دیگری شما عذری ندارید ، ما هیچ کدام دیگر عذری نداریم . " (پنجشنبه ۲۹ مرداد ۶۰)
در این حملات کوتاه و عمیق ، دو واقعیت مهم و یک ضرورت حساس و مبرم انقلاب ، مطرح شده است : نخست : امام خمینی ، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران ، مدارکاری ها و جانبازی های مردم

حذف واسطه ها عملی است

بسود انقلاب

بهای برنج داخلی بخصوص در سال های اخیر به میزان رسید که حتی خانواده های متوسط الحال نیز قدرت خرید آن را نداشتند . در این میان دلالتان و واسطه های بزرگ با دستی باز و مکاناتی وسیع هر روز بیشتر از قبل کیسه های خود را از ثروت انباشتند و برای میلیون ها مردم زحمتکش محرومیت آفرینند . خرید مستقیم محصول برنج از تولید کنندگان توسط دولت و کنترل بر خارجی ، می ایستادند ، شد .

جدیدی بیش از سوی ستاد مسیح اقتصادی کشور اعلام شد که از سال جاری خرید و توزیع برنج بطور کامل در اختیار دولت قرار خواهد گرفت . این خبر سب شادی دل های بسیاری از کشاورزان برنجکار که سال های طولانی حاصل کار برزحمتشان در گل و لای شالیزارها به دست دلالتان به میعما می رفت ، مردمی که ساعت ها در صف های طویل فروشگاهها در انتظار خرید چند کیلو برنج نامرغوب ، اما ارزان قیمت خارجی ، می ایستادند ، شد .

"اوپک"

ضربه ناپذیر است

" اوپک " - سازمان کشورهای صادر کننده نفت - در آستانه تشکیل اجلاس سه ژنودر روزهای ۲۸ تا ۳۰ مرداد ۱۳۶۰ ، در معرض شد بدترین حملات امیرالایسمی - ارتجاعی قرار گرفته بود . حملات امیرالایسمی به این سازمان از خارج ، بویژه از جانب امیرالایسم آمریکا و انحصارات عمده نفتی - اعضای کارتل بین المللی نفت - وارد آمد ، حملات ارتجاعی اردرون " اوپک " به سردمداری عربستان سعودی بر سازمان کشورهای صادر کننده نفت صورت می گرفت ، هدف هر دوی این حملات آن بود که اگر " اوپک " متلاشی نشود ، حداقل به اتحاد تصمیم در زمینه کاهش قیمت نفت ناگزیر گردد و بدینسان برای اول بار در تاریخ ۲۰ ساله " اوپک " ، توطئه وادار ساختن این سازمان به کاهش قیمت نفت تحقق پذیرد .

حملات دول امیرالایسمی و انحصارات عمده نفتی به مواضع " اوپک " از روز تشکیل این سازمان هیچگاه متوقف نشده است اما با ایداع آن کرد که در دو ساله اخیر ، بویژه در ارتباط با ضربه عظیمی که بیروزی انقلاب ضدا میرالایسمی مردمی و اسلامی ایران به مواضع امیرالایسم و انحصارات نفتی وارد ساخته ، توطئه های امیرالایسمی و انحصارات نفتی علیه سازمان کشورهای صادر کننده نفت دامنه بسیار وسیعی پیدا کرده است ، دول امیرالایسمی و انحصارات عضو کارتل بین المللی نفت با استفاده از مشکلاتی که برای اغلاب ایران بوجود آورده و هجوم مسلحانه از خارج داخل به انقلاب ایران را سازمان داده اند استفاداز بقیه در صفحه ۸

توانا تر از جنگ و امپریالیسم



صفحه ۷

نیروهای انقلابی منطقه

در آستانه اتحاد ضدا میرالایستی و ضدهیونیستی

" اگر هنوز بیدار نشده ایم ، دیگر دارد دیر می شود . آیامی دانیم که در کد مین پلکان از تاریخ ایستاده ایم ؟ آیا گاه هستیم که فردا قرار است چهره روی بدهد ؟ ... چه تحول مهمی در پیش است که آمریکا تمام نیروهای خود را بسیج کرده است ؟ " (جمهوری اسلامی - ۱ شهریور ۱۳۶۰)
بقیه در صفحه ۲

در صفحات دیگر

پشتیبانی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران از مبارزه مردم قهرمان نامیبیا و سازمان انقلابی آن سوابو صفحه ۴

مسئله جنگ و دوران معاصر (۲) صفحه ۸

کارنامه ابوالحسن بنی صدر (۸) بنی صدر سخنگوی جبهه متحد ضدا انقلاب صفحه ۳ بقیه در صفحه ۷

ماو ترکیه

در پیوند با ربوده شدن ناوچه نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران از سوی گروهک ضدا انقلابی به اصطلاح " آزادگان " - نمایش خائنانه ای که ستاریوی آن به دست " سیا " تنظیم شده بود ، فاش گردید که این دارودسته سلطنت طلب و وابسته به " سیا " و سرکرده آن آریانا (منوچهری سابق و فاشیست پرتساقه) در کشور همسایه ما ترکیه مستقر هستند . این نخستین بار نیست که ترکیه به عنوان پایگاه گروهی از ضدا انقلابیون و مرکزی برای اقدامات خرابکارانه آنان علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران افشامی شود . به گزارش روزنامه " صبح آزادگان " (۱۴ مرداد ۱۳۶۰) بزشکیور نیز به همراه یک گروه صدا تصدوبیست نفری در ترکیه به سر می برد و عملیات براندازانه - ایراسازمان می دهد . همچنین ، برپایه برخی گزارشها ، تنی چند از مزدوران امیرالایسم ، ساواکی های فراری و عوامل جوانین مرتجع در مرز ایران و ترکیه بسیج شده اند و خرابکاری هایی را برضد جمهوری اسلامی ایران تدارک می بینند . بختیار خاش نیز گاهگاهی از این خود فروخته گان سرکشی می کند ، البته ، با وابستگی همه جانبه رژیم کودتایی کنعان اورن به امیرالایسم جهانی ، به سرکردگی ایالات متحده آمریکا ، جای شگفتی نیست که این رژیم به انگیزه خدمت به امیرالایسم

" خط این بود که آمریکا اصلا منسی بشود ... شوروی را مطرح می کردند تا آمریکا منسی بشود ... خط این بود که قضیه مرگ بر آمریکا منسی بشود . " (امام خمینی)

چه کسانی "خط فراموش کردن آمریکا" را دنبال می کردند؟

" انقلاب اسلامی بویژه در شش ماه آخر انتشار خود " میزان " در تمام مدت انتشار حتی یک مقاله مستقل علیه امیرالایسم ننوشتند ، در عوض تنها در ۴ ماه " میزان " ۳۳ مقاله و " انقلاب اسلامی " ۱۹ مقاله در نفی خط امیرالایسم انتشار دادند . در همین دو ماه " میزان " ۱۹ مقاله و " انقلاب اسلامی " ۱۵ مقاله علیه کشورهای سوسیالیستی به چاپ رسید .

آلبنده ، این نقش به طور عمده به عهده روزنامه " مرکوری " گذاشته شده بود . بعد ها معلوم شد که این روزنامه در حقیقت وابسته به شرکت چند ملیتی " آی-تی-سی " آمریکا است ، در ایران ، در آغاز انقلاب ، این نقش در روزنامه های آیدگان پیغام امروز ، با ممداد و ... به عهده داشتند . سپس این نقش به عهده " میزان " ، " انقلاب اسلامی " و روزنامه های گروهک های ماوئیستی بقیه در صفحه ۶

" کاردار (کاردار سفارت آمریکا در تهران) امیدوار است که به وسیله امیرالایسم نظام کاری کند که روزنامهها حملاتشان را نسبت به آمریکا کاهش دهند . " (اطلاعات ، ۱۳ بهمن ۵۹)
سعی در کم کردن حملات روزنامه ها به آمریکا شگرد رایجی است که از سوی آمریکا و عمال او در کشورهای که تیز حمله متوجه این جزئومه فساد است ، مورد استفاده قرار می گیرد . برای مثال در شیلی ، در دوران حکومت سالوادور

تفاله‌های...

غبار صفحه ۱

اسلامی ایران بوده است. تجربه انقلاب نشان می‌دهد که این به تنهایی نگاه روس امیرالاسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه حتی مهمترین و موثرترین آنها نیز بوده است. در کنار این روس، کارکنی، تحریر، عراقی-افکنی و مسخ انقلاب توسط عوامل بقادر علاج دیگر امیرالاسم آمریکا تشکیل داده است. امیرالاسم آمریکا مدین و سله از طریق اعمال خود، صدمات متعددی بر یکسر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وارد ساخته است.

مناقصه بی‌حرکتی مسئولین انقلابی، و حوه گستردهٔ بی‌شمار و پنهانی نادرست نسبت به دوستان انقلاب، نداشتن معیاری واقعی و صحیح برای تعیین مرز میان انقلاب و ضدانقلاب، به امیرالاسم حاکمان آمریکا، که منحربهٔ چند صد ساله سرمایه‌داری جهانی در مقابل با حشش‌های انقلابی محرابست و در ۵ سال سلطنت سنگینی بهلوی، همراه با امیرالاسم انگلستان، در مارو بود حاقمه مار سوخته بود امکان داده است تا برای مدتی دراز، عوامل خود را تحت پوشش‌های گوناگون در ارکان‌های مختلف مملکتی، حتی تا مقام ریاست جمهوری، نفوذ دهد و سازوکاری حوشنی را برای پیشبرد مقاصد حوشش به اجرا گذارد.

امریکاسازی نهاد های کشوری و لشکری از تفاله‌های آمریکا، که باید آنرا معنی تفاله‌های مجموعه امیرالاسم و ارباع دانست، بطور عمده علت مقاومت و کارکنی لبرالها و همچنین عدم فاطت برخی مسئولین انقلابی پس از ماه‌های اول انقلاب، متوقف گردید. خیل ساواکها و مردوران رکن ۲ اس گرگ‌های توبه‌ناپذیر، با اعلام

لفظی وفاداری به جمهوری اسلامی ایران، آراد سد و دواگاه‌های انقلاب، پس از محارزات گروهی معدود از اس حاکمان، کار خود را در این زمینه متوقف کردند. لبرالها و عوامل امیرالاسم آمریکا، که در آبرمان تفریب‌ناگفته‌ها، حراشی را در دولت موقت، در دست خود متمرکز کرده بودند، در این زمینه نقش در حوال داشتند. سرهنگ معزی‌ها "توبه کردند" و بر سرگاری می‌ماندند، نادر فرستی مناسب نشی زهر آگین خود را بر انقلاب فروگند. محقق‌ها، علوی‌ها، نژیها، مقدم مراغه‌ای‌ها، امیرانظام‌ها، به برکت لبرالها، در مهمترین یستهای دولتی جای گرفتند. در روابط جمهوری اسلامی ایران با دوستان و متحدان، چون سوریه، لیبی، الجزایر و کشورهای سوسیالیستی اخلال شد و، بالعکس، تلاش برای احیای پیمان فرورخته سنتو به شکلی دیگر و پیوند دادن ایران به این پیمان جدید "به دیگر رژیم‌های امیر-بالستی و مرتجع، شدت گرفت. تا آنجا که ممکن بود، ساواکها و وابستگان به رژیم گذشته در ادارات و ارگان‌های دولتی باقی ماندند، ولی بخشی از نیروهای مدافع انقلاب حرم "غیر اسلامی بودن" مورد غضب و تصفیه قرار گرفتند. کارخانه‌ها و صنایع سرمایه‌داران فراری رو به ویرانی رفتند و بیکاری شدت پذیرفت. یک عامل امیرالاسم، که چندی پیش تیرباران شد در راس صنایع ملی شده قرار گرفته بود و...

ساواکهای از محارزات گریخته و "توبه کرده" گوشیدند، تا در نهاد های انقلابی رسوخ کنند و با مسلمان‌نمایی مردم راست به نهاد های انقلابی بدبین سازند و فعالیت این نهادها را از مبارزه با عوامل امیرالاسم به جانب تحدید فعالیت نیروهای انقلابی و حمله بر آنها منحرف کنند. غارتگران بازار، با استفاده از سیاست اقتصادی لبرالها و عوامل

آمریکا، دهها برابر دوران قبل از انقلاب به جپاول دست‌بر حرمکنان برداختند و بزرگ مالکان و فئودالها به سرکوب و آزار دهقانان رحمتکش روی آوردند. تسخیر لانهٔ جاسوسی آمریکا و اسناد بدست آمده در این مرکز توسط حواسیت، صریح‌های هشدار دهنده بود و جبهه بسیاری از "تفاله‌های آمریکا" را افشا ساخت، اما غلبه هم هشدارهای مکرر نیروهای انقلابی و دلشور، خط آمریکا در تمامی اجزاء و روایای خود مورد توجه قرار گرفت و با سقوط دولت موقت، کارخانه‌های تعلق شد. تفاله‌های بی‌حما مانده و ناشناختهٔ آمریکا بار دیگر در حاشیایترین اهرم های دولتی جای گرفتند. بنی صدر، که خط مشی مشکوک و حتی بی‌شایسته از انتخاب به ریاست جمهوری کم و بیش آشکار بود، رئیس‌جمهور شد و عوامل خود چون نویری رادرسا بن‌ترین مواضع اقتصادی و مالی جای داد. قطب‌زاده در وزارت امور خارجه، مشی دولت موقت را ادامه داد و عناصری چون ابوالقاسم صادق، اینجا و آنجا، در مسئولیت‌های جدی قرار گرفتند. گروهی از لبرالها و عناصر مشکوک مانند سلا متیان و غضنفر پور به مجلس راه یافتند.

تجاوز نظامی امیرالاسم آمریکا به طیس، که در جریان آن وجود نیروهای کودتاگر بزرگی در ارتش دستگیر شدند، خطر عظیمی را که در وجود تفاله های آمریکا و عدم توجه به خطر آمریکا نهفته بود، آشکار ساخت. افشای این مطلب که گروهی از "روحانیون بلند مرتبه" در کودتای نوژه شرکت داشته‌اند، نقش اسلام آمریکایی و ضرورت تجدیدنظر جدی در معیارهای نادرست موجود را، که مرز انقلاب و

ضدانقلاب را با مرز میان مسلمان و غیر مسلمان یکسان می‌دانست، خاطر نشان کرد. در تمام این دوران و در تمام زمینه‌های یاد شده، خط مشی سازشکارانه و تسلیم طلبانهٔ دولت موقت باعث شدت وحدت توسط لبرالها و عناصر مشکوک، که هنوز در مسئولیت‌های اداری شرکت داشتند، پیگیری می‌شد.

حوادث خونبار چند ماههٔ اخیر کشور ما، بار دیگر وجود و عملکرد عوامل آمریکار در نهاد های جمهوری اسلامی ایران به اثبات رسانید. نفوذ حنیاتکاری چون محمدرضا کلاهی در حزب جمهوری اسلامی، که کشتار ۲۴ تن از مسئولین انقلابی جمهوری اسلامی ایران را تدارک دید، بگریزینی صدر و رجوی، با کمک گروهی دیگر از عوامل آمریکادر نیروی هوایی؛ فرار چند عامل آمریکا با هواپیماهای جمهوری اسلامی ایران به مصر و عمان - همه و همه از وجود تفاله‌های آمریکا در ارگان‌ها خبر می‌دهند.

چه باید کرد؟

این واقعیتی است که امیرالاسم آمریکا چون گذشته خواهد کوشید عوامل ناشناختهٔ خود را در کلیه نهادها و ارگان ها حفظ کند و نفوذ دهد و انقلاب را از درون مورد حمله قرار دهد، تا زمینه را برای مسخ انقلاب و سرکوب انقلاب آماده کند. این هم واقعیتی است که تفاله‌های آمریکا هم اکنون نیز در دستگاه دولتی و در نهادها وجود دارند و به وظیفه شوم خود در جهت مقاصد امیرالاسم آمریکا عمل می‌کنند. امام خمینی تاکید کردند که "تفاله‌های آمریکا الان هم هستند" و به قول حجت الاسلام معاد پیکخواه در سخنرانی پیش از نماز جمعه ۱۶ مرداد ماه ۶۰ "عوامل آمریکا هنوز هم در بدنه"

جامعه وجود دارند و مشکلات زیادی را ممکن است برای ما بوجود آورند. اما انقلاب ایران می‌تواند و باید با در پیش گرفتن یک سیاست صحیح بر پایهٔ تجربهٔ خونین و گرانسای دو سال و نیم گذشته، زبان و عملکرد تفاله‌های آمریکا را به حداقل ممکن کاهش دهد و تکرار حوادث ناگوار و ناخوشایند، پیشین را ناممکن سازد. برای این منظور یک خانه تکانی جدی، قاطع و اصولی در تمامی ارگان‌های کشوری و لشکری و نهاد های انقلابی ضرور است. در مورد یافتن عناصر نفوذی دشمن، که سوابق معینی از آنها بحای مانده است، کار ساده است. باید این عناصر را در همه جا شناسایی کرد، آنها را مورد تصفیه و کنترل دقیق قرار داد. ساواکها و عناصر رکن ۲ و وابستگان به رژیم سابق از این گروه بشمار می‌آیند. مادر مورد عناصر ناشناخته دشمن، که سوابق نشان روشن نیست، باید بدون توجه به "مسلمان‌نمایی" و "انقلابیگری" آنان، و جبهه تشابه مشی سیاسی و عمل سیاسی آنان را با خط آمریکا شناخت و از این طریق مشت آن را باز کرد، آنها را تصفیه کرد و در صورت لزوم تحت تعقیب قرار داد. تنها و تنها از این طریق، از طریق تعیین میزان وفاداری افراد به انقلاب قطع نظر از هر گونه تعلق فکری و عقیدتی، می‌توان به انجام یک پاکسازی انقلابی، که دست تفاله‌های آمریکا در خرابکاری و اعمال ضد انقلابی فلج سازد، موفق گشت.

حجت الاسلام معاد پیکخواه، در سخنرانی یاد شده، از جمله گفت: "هر کجا و در هر زمان مشاهده کردید که خط دیگری پیدا شده که حتی کمی با خط امام و انقلاب فاصله دارد، بدانید که آمریکا از همان طریق در مقام القاء خط خود هست، منتهی با انعطاف پذیری بیشتر".

این تنه‌اراه یک پاکسازی صحیح و انقلابی است.

نیروهای انقلابی...

غبار صفحه ۱

این پرسش‌ها، که روزنامه "جمهوری اسلامی" در سرمقاله خود، در ارتباط با تشکیل "جبهه اسلامی ضد صهیونیستی" برای مبارزه با امیرالاسم و صهیونیسم مطرح کرده است، در واقع ستوال میلیونها ایرانی است، که جسم نگران پیروزی نهایی انقلاب هستند.

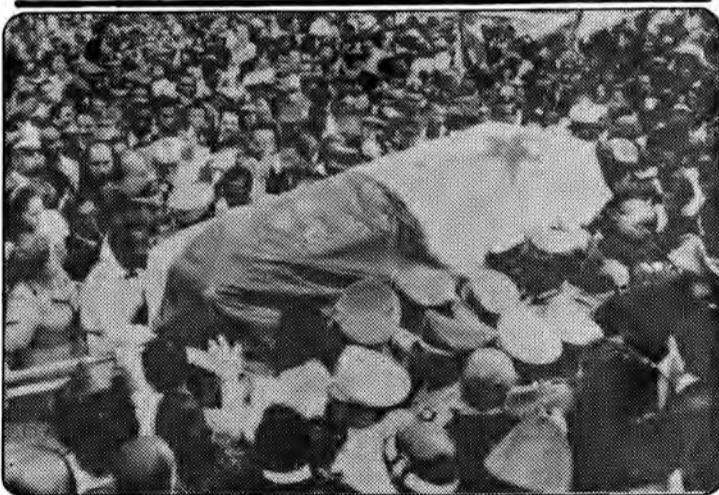
باید گفت که به برکت سیاست خارجی تازه فعال کشور، ایران انقلابی، پیش از آنکه دیر شده و داروهای خواب آور لبرال‌ها و وسی صدری‌ها و ارباب خواب در دهان، می‌رود که با حشمانی از وهن سازنده اوضاع جهان و بویژه حاور میانه راحت نظر نگردد. اکنون ایران انقلابی می‌کوشد و سومی را که پیش از دو سال دوستان دوست ندارند گان آمریکا بر حاشیایند، به بیاری با دزدان انقلاب دفع کند و روشنی در یابد که در کدام پلهٔ تاریخ ایستاده است. ایران انقلابی اکنون می‌داند که "چه تحول مهمی در پیش است که آمریکا تمام نیروهای خود را بسیج کرده است." این تحول تلاش برای اتحاد همهٔ نیروهای انقلابی در منطقه علیه امیرالاسم و صهیونیسم، به سرکردگی آمریکا است. و پیشتر یاد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، نقطه عطفی در روند اتحاد همهٔ نیروهای انقلابی در خاور میانه است، و از همین رو امیرالاسم و صهیونیسم، به سرکردگی آمریکا با تمام نیرو در کار جلوگیری از آن بوده و هستند.

در واقع بزرگترین پیروزی امیرالاسم در خاور میانه جلوگیری از اتحاد نیروهای انقلابی، به بیاری سرسیردگانی چون سادات و شاه حسین و مرتجعانی توکرفضت از قبیل قابوس، خالد، صیاء الحق، نمیری و... است.

اگر امروز اسرائیل در منطقه ترکناری می‌کند و چون سگ گنهان امیرالاسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، در اینسوی جهان عمل می‌کند اگر امیرالاسم هنوز قادر است بیشتر خلق های منطقه را به زنجیر استثمار داشته باشد، مهم ترین عامل آن نقای بین خلق های منطقه است. و اکنون امیرالاسم آمریکا بخش عمده ای از نیروی خود را صرف دامن زدن به این نقای و جدا کردن دیگر کشورهای منطقه از "جبهه پایداری عرب" می‌کند. آمریکا این سیاست را از اینرودنیال می‌کند که، به قول قای میر حسین موسوی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، می‌داند که تشکیل جبهه‌ای از نیروهای مترقی در منطقه "می‌تواند تمام جبههٔ منطقه و خاور میانه را دگرگون کند و بطور روشنی یک مرزبندی دقیق

عمر توریخوس که بود؟

عمر توریخوس در ۲۴ بهمن ۱۳۰۸ (۱۳ فوریه ۱۹۲۹) در سانتاگو (پاناما) دیده جهان گشود. پدر و مادر او معلم بودند. توریخوس بعدها افسر حرفه‌ای "گارد ملی" شد. وی رهبر رستاخیز ۱۹ مهر ۱۳۴۷ (۱۱ اکتبر ۱۹۶۸) گروهی از افسران سپه دو ست بود، که به سرنگونی رژیم آریاس انجامید. توریخوس، که نخستین عضو "خوننا" می‌بود، در تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۵۳ (۱۱ اکتبر ۱۹۷۲)، به ریاست کشور برگزیده شد و تا ۱۹ مهر ۱۳۵۷ (۱۱ اکتبر ۱۹۷۸) در این سمت انجام وظیفه کرد. وی در تاریخ مذکور ریاست جمهوری را به دکتر اریستیدس روبوسیرد، ولی خود در مقام فرمانده کل "گارد ملی" باقی ماند. بعقیده ناظران سیاسی، ژنرال پس از کناره‌گیری از ریاست کشور، همچنان یکی از منتقدترین سیاستمداران پاناما بود. شعار انتخاباتی توریخوس "همیشه سر بر خواهیم افراشت و هیچگاه بزانو نخواهیم نشست" بود. "حزب خلق پاناما" یعنی حزب



کمونیست‌های پاناما، مرگ عمر توریخوس را بعنوان "لطمه‌ای بزرگ به جنبش آزادی بخش ملی" ارزیابی کرد. این حزب یادآور شد که توریخوس هنگامی در گذشت که دفاع از روند آزادی ملی و تحکیم آن بیش از همه وقت ضروری نماید.

در زمینه سیاست داخلی، اصلاحاتی چند را در گستره‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پایه نهاد. برای نمونه، می‌توان از تاسیس تعاونی‌های کشاورزی، ملی کردن مزارع کنسرن "یونایتد فروت"، پیشبرد حقوق کارگران و مستاجران و قانونی کردن احزاب سیاسی، از جمله "حزب خلق پاناما"، نام برد. بزرگترین موفقیت این سیاستمدار امضای قرارداد جدیدی دربارهٔ کانال پاناما در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۶ (۷ سپتامبر ۱۹۷۷)، پس از سالها مذاکرات دشوار، با ایالات متحده آمریکا بود. این قرارداد، که اجرای آن در ۹ مهر ۱۳۵۸ (۱ اکتبر ۱۹۷۹) شروع شد، گرچه مصالحهای بشمار می‌رود، گامی بزرگ در راه استقلال کامل پاناما است. رسانه‌های گروهی آمریکا لاتین این امکان را مردود نمی‌بینند، که سانحهٔ هوایی، که توریخوس در جریان آن کشته شد، کارسازمان جاسوسی یکی از کشورهای بیگانه باشد. در این زمینه، بویژه از "سیا" سخن می‌رود. فرمانده کل جدید "گارد ملی" سرهنگ فلورنسیو فلورنسن نام دارد، که بگزارش مطبوعات، "از سیاق فرمانده فقید نیست".

بین کشورهای مرتجع و کشورهاییکه عمیقاً ناشان با نظام آمریکا بی‌درهم تافته، با کشورها بیگانه‌طور ضعیف یا قوی می‌خواهند در برابر امیرالاسم و صهیونیسم بایستند، خواهد کشید و خط فاصلی را مشخص خواهد کرد. (اطلاعات - دوم شهریور ۱۳۶۰)

و در نتیجه: "تشکیل چنین جبهه‌ای می‌تواند صدمات سنگینی را به منافع آمریکا و رژیم اشغالگر قدس وارد آورد." (جمهوری اسلامی - اول شهریور ۱۳۶۰)

و این صدمه تنها از این جهت نیست که جبههٔ متحد نیروهای انقلابی در منطقه، حق غصب شده خلق فلسطین را به آن بر خواهد گرداند، فقط از این با است نیست که در مهم ترین نقطه استراتژیک جهان، گلوله امیرالاسم در حجتاً هتین خلق هافر شده خواهد شد، به این خاطر هم هست که خلق های منطقه، با مرز بندی دقیق نیروها، هر چه بیشتر به ماهیت دولت‌های خود آشنا خواهند شد و با افزایش قدرت انقلابی، زمینه برای درهم پیچیدن طومار تسلط امیرالاسم در منطقه فراهم خواهد شد.

درست بخاطر اهمیت تاریخی تشکیل جبهه‌ای از تمام نیروهای انقلابی منطقه است که

سفیر فلسطین در ایران، بلافاصله به استکار وزیر امور خارجه ایران پاسخ مثبت می‌دهد و اعلام می‌کند: "همانطوریکه قبلاً گفته ایم، وقتیکه جناب وزیر امور خارجه اندیشه جبهه اسلامی را مطرح کرد، ما از آن به عنوان یک اندیشه، درست در زمینه، مقابله با امیرالاسم آمریکا و دشمن صهیونیستی استقبال کردیم." (جمهوری اسلامی - ۲ شهریور ۱۳۶۰)

لیبی هم اعلام موافقت می‌کند: "دقت مردمی لیبی در تهران موافقت اصولی خود را با تشکیل این جبهه اعلام می‌دارد." (اطلاعات - ۲ شهریور ۱۳۶۰)

سوریه نیز موافقت می‌کند: سفیر سوریه "وجوه مشترک بین دولت سوریه و ایران را بر شمرد و با اشاره به تهاجم دائمی انقلاب اسلامی ایران به امیرالاسم، صهیونیسم و ارتجاع، به نیاز متقابل دو کشور به یکدیگر برای انسجام هر چه بیشتر جبهه ضد استکار تاکید کرد." (اطلاعات - ۲ شهریور ۱۳۶۰)

و به این ترتیب مقدمات اتحاد همه نیرو - های انقلابی در منطقه بر ضد امیرالاسم و صهیونیسم، به سرکردگی آمریکا، فراهم میشود.

و درست در همین موقع امیرالاسم آمریکا که با تمام نیروی تبلیغاتی خود علیه تشکیل این جبهه به فعالیت پرداخته، برای خرابکاری در امر تشکیل این جبهه دست بکار شده است: به اصطلاح "مبارزان" افغانی هم آمادگی خود را برای پیوستن به جبههٔ پیشنهادی از جانب ایران اعلام کرده‌اند این "مبارزان"، که با دلارهای آمریکا و عربستان سعودی با سلاح‌های انگلیسی و آمریکایی و چینی و زیر نظر کارشناسان "سیا" و "موساد" به خرابکاری علیه انقلاب افغانستان مشغولند، حالا ما مور شده - اند که به جبهه ضد امیرالاسم و صهیونیستی به پیوندند و علیه آمریکا و اسرائیل بجنگند! باید تاکید کرد که این آغاز توطئه های آمریکا است.

بدون کمترین تردید امیرالاسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، تمام نیروی جبهه‌ی خود را برای جلوگیری از تشکیل این جبهه بسیج خواهد کرد. ولی باید امید و انتظار داشت که انقلابیون منطقه هم با قاطعیت و درایت پیش روند و به یکی از نیازهای تاریخی منطقه، یعنی اتحاد نیروهای انقلابی علیه امیرالاسم و صهیونیسم، به سرکردگی آمریکا، پاسخ مثبت دهند.

کارنامه ابوالحسن بنی صدر (۸)

بنی صدر، سخنگوی جبهه متحد ضد انقلاب

اشاره:

در چند شماره قبل "خط بنی صدر" را بر اساس سخنان خود او - در اساسی ترین وجوه آن - بررسی کردیم. این خط، که قبل از بنی صدر به شکل دیگری اعمال می شد و بعد از سقوط او هم به شکل دیگری ادامه دارد، بر مبنای نظریات لیبرالی، که در بنی صدر ما نوسیم هم آمیخته بود، ضد مسخ انقلاب ایران را از درون داشت و دارد. این خط که ریشه آن به زمینه های انقلاب مشروطیت برمی گردد، تلاش می ورزد تا انقلاب را بدست سپهدارها و سردار افسران روزگار ما، یعنی بنی صدرها، رجوئی ها و... مسخ کند و به این ترتیب زمینه ساز دیکتاتوری فاشیستی گردد. سایر این، روشن است که پیروان این خط، بعد از زمینه چینی لازم و هنگامیکه به گمان خود - شان محمل های لازم را برای بدست آوردن قدرت فراهم کردند، اقدام به عمل خواهند کرد تا قدرت سیاسی را بدست بیاورند. بنی صدر نیز بر این راستا حرکت کرد. او بر بنیاد نظریات یاد شده، که در اساس خود، یعنی نابود کردن انقلاب، با آمال امپریالیستها، مائوئیستهای آمریکایی، ضد انقلاب فراری، رهبری خائن مجاهدین یکسان بود، (و البته هر کس به ظن خود و برای اهداف خود)، به جمع آوری نیرو در جامعه ما از سویی و تحریک مردم علیه بخش مرفعی حاکمیت از سویی دیگر پرداخت، که این هر دو در واقع دوروی یک سکه بود. بنی صدر مردم را علیه انقلاب و نهاد های آن تحریک می کرد، تا آنها را بسوی خود جلب کند. این تحریکات، که شرح آن در این شماره می آید، مقدمه برای اقدام به کودتایی بود که از ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ آن را، با اشتراک رهبری معاهدین، جبهه ملی، رنجبران، اقلیت... آغاز کرد و شرح آن بجای خود خواهد آمد.

جدایی بیاندازیم و یا اختلاف داشته باشیم. رفتار شما با همه مراجع و همسگانی که برای کشور و استقلال کشور و جمهوری اسلامی زحمت می کشند خدمت می کنند با ید رفتاری باشد در جهت تحکیم وحدت ملی و وحدت اسلامی... (۲۱ آذر ۵۸ کیهان)

و عاقبت این که: "... بهترین فرد برای پست ریاست جمهوری کسی است که بتواند منشأ وحدت و تقاهم ملی ایران باشد..." (۸ دی ماه ۵۸ - کیهان)

اما اینها جز آن قسمت که می خواست "سپهسالار بنی صدر" را بسازد، حرف بود و ریا. و این از همان اولین روز های انتخاب بنی صدر به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران مشخص شد. بنی صدر که با تحریک و زبان سرخ مخالف بود، از همان فردای انتخاب خود به ریاست جمهوری، به عامل اصلی تحریک و تشنج در جمهوری اسلامی ایران بدل گردید. از آن پس بنی صدر کمتر سخنرانی بدون حادثه داشت، تعداد مصاحبه های تشنج آفرین او کم نبود تقریباً "کارنامه ای" ننوشت که او تا کارنامه با شنیده تحریک نامه. و این مویه مومنتیک بر خطی بود که مسخ انقلاب را هدف قرار داده و بعد از سرنگونی دولت موقت، بنی صدر را به رهبری موقت برگزیده بود.

سخنگوی جبهه متحد ضد انقلاب

ابوالحسن بنی صدر، که بعد از مدت کوتاهی به "زبان سرخ" جبهه متحد ضد انقلاب بدل گشت، برای پیشبرد منظور خود در جهت تحریک مردم، دست به اجرای نقشه آمریکا ساخته مائوئیست پرداخته ای زد. بر اساس این نقشه، بنی صدر در آغاز زیر عنوان "دعوت به تقاهم" و "توجه به موقعیت خطیر کشور"، تاختن به نیرو - های پیرو خط امام و یاران امام خمینی را، به اتهام این که آنها شرایط مملکت را درگمی کنند، شروع کرد:

"... گمان من این بود که دست کم این نیروها به موقعیت خطیر کشور توجه نمی کنند و منافات موسمی را اصل نمی گیرند..." (۱۱ تیر ۵۹ - کارنامه رئیس جمهور - جلد اول)

و از این صریح تر: "... اینها کاری که می کنند برانگیختن و بی تفاوت کردن است. برانگیختن قشرهایی از جامعه است که از هرج و مرج، ناامنی، خودکامی، تعدد مراکز تصمیم گیری به تنگی آیند..." (۱۳ شهریور ۵۹)

حمله به این "اینها" و "آنها" روز به روز فزونی گرفت، تا دیگر جای رود ریاستی باقی نماند و بنی صدر بی پروا و وقیحانه حمله به "اینها" را آغاز کرد:

"... چون دائم صحبت مکتب و مکتبی است این هم شده یک جماعتی می خواستم با آنها بی که خود را اهل مکتب می دانند... بگویم که شرایط ایمان به مکتب... این نیست که هر کس جماعتی این کلمه را بر سر مردم بزند..." (۱۸ خرداد ۵۹ - کیهان)

چمکسانی مکتب را چماق کرده اند؟ آن "حزب" و "گروهی" که... می خواهد وارث منحصراً انقلاب بنویسد... و همه سرخها را در دست داشته باشد، و اسلام را چماق کند... (۹ دی ماه ۵۸ - کارنامه رئیس جمهور)

این "حزب" و "گروه" کدام است؟ همان:

"... حزبی که خود را اسلامی می خواند... (۱۶ دی ۵۸ - کارنامه رئیس جمهور)

و: "... آقای بهشتی یا آقای رفسنجانی... که در هیچ دهه نگذشته در حقیقت حکومت را همین عده در دست داشتند..." (۷ مرداد ۵۹ - کارنامه رئیس جمهور)

از این پلای تفرم حمله به پیروان خط امام و یاران امام که در حقیقت هدف تضعیف رهبری را در نظر داشت، بود که بنی صدر مردم را به چاره جویی و استقامت فراخواند. اول تقیید اینطور عنوان شد که:

"... در وجود من (بنی صدر) هیچ انگیزه ای جز انگیزه نجات جمهوری اسلامی و کشور ایران نیست و این هدف آن قدر عالی و والا است که برای آن آمادام هر لحظه مرگ فرارسد و آن را با آغوش باز بپذیرم..." (کارنامه رئیس جمهور - جلد ۵ - ص ۱۱۲)

بگذریم که حالا او در آغوش آمریکا و

ضد انقلاب فراری است، ولی بهر حال بنی صدر می کوشید با این گونه تبلیغات یاران امام و، اگر می توانست، رهبری را در مقابل مردم قرار دهد. ظاهراً مسئله، مسئله حفظ جمهوری بود و بنی صدر هم حافظ جمهوری، پس مردم، بپاخیزید:

"... مردم باید آگاهی وجدان پیدا کنند به این خطر و رئیس جمهوری خودشان را باری بکنند... ایستادگی در برابر این خطر لازم است..." (۱۳ شهریور ۵۹ - کارنامه رئیس جمهور)

و یا: "... (در دیدار با بازاریان) گفتیم از شما این عذر و بهانه که مورد تهدید واقع شده اید، بپذیرفته نیست، چرا که شما بودید، بازارها بودند که بر ضد همین نوع بهانه ها، همین نوع تهدیدها قیام کردند و با تعطیل بازارهای شهرها، اساس رژیم پیشین را متزلزل ساختند، شما همان آدم ها هستید و اینک نباید تسلیم این بازی ها بشوید..." (۲۹ آذر ۵۹ - کارنامه رئیس جمهور)

و باز هم: "... تکلیف شما اینست، تکلیفی که تا حالا کم و بیش عمل کرده اید و بعد از این باید بیشتر عمل کنید، لایقید نمانید. دروغ را اولاً اعتراض کنید... اگر تکرار کرد (منظور صدا و سیما جمهوری اسلامی است) جمع بشوید، بیشتر تکرار کرد، تمام مردم شهر جمع بشوید، بگوئید، آقا شما یک عده کذا از جان ما چه می خواهید، راهش این است..." (سخنرانی بنی صدر در جمع اعضای دفتر همکاری در اصفهان - ۴ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی)

به این ترتیب بود که بنی صدر مردم کشور را



علیه حکومتی گوی رئیس جمهورش بود، به تورش می خواندند از آنها می خواست که:

"... به خود آی، چشمها را باز کن... در برابر کسانی که می خواهند زور را با زور بایست، مرا نیروی جز نیروی شما نیست. ایستادگی شماست که به ایستادگی من معنا میبخشد. در همه جا، در همه شهرها باید در برابر این امور بایستید و به هر قیمت بایستید، تا ایستادگی مرا حس کنید. من ایستادام یقین دارم که چون بر حقیق... پیروزی با ما است..." (۳۰ اردیبهشت ۶۰ - انقلاب اسلامی - کارنامه رئیس جمهور)

حالا لایق "ایستادن" بنی صدر در خیابان های پاریس، ناشی از همان "ایستادگی" است! بگذاریم.

بنی صدر ادامه می داد:

"... به شما مردم می گویم اگر امروز نسبت به ما مورلا قید بماند و همان طور که استقامت به خرج می دهید استقامت نکنید، برای شما هم فردا دیر خواهد شد چون از نوا استبداد جدیدی برقرار می شود..." (جلد ۵ - کارنامه رئیس جمهور - ص ۱۱۶)

و بعد هم اعلام خطر که:

"... انقلاب و کشور به جد در خطر است..." (۴۱ فروردین ۵۹ - کیهان)

"... جوسیا سی ایران انفجار آمیز است..." (۱۵ اردیبهشت ۵۹ - کیهان)

و چون جو خطرناک است: "... مردم به تدریج از خود کامگی های فردی و گروهی به تنگ می آیند..." (۲۸ فروردین ۵۹ - کیهان)

و عاقبت هم، در یک سخنرانی، سؤال کرد:

"... این قیافه ها، چگونه از نو، آن حالت تسلیم، زبونی، خواری... را خواهد پذیرفت؟ و چگونه تسلیم خواهد شد... یقین دارم... شما... می ایستید، چون استقامت من برای شما - ست و استقامت شما هم برای من..." (۹ خرداد ۶۰ - انقلاب اسلامی)

توجه می کنید؟ بنی صدر پمپایی در ساره، خطر هشدار می داد، بی وقف مردم را به استقامت دعوت می کرد، چپ و راست آژیر می کشید، اما هرگز این مقاومت ها را در برابر امپریالیسم آمریکا و ابادی آن نمی خواست. برای بنی صدر خطر تجاوز نظامی به ایران از جانب امپریالیسم آمریکا مطرح نبود - چون این خطر او را که تهدید نمی کرد - خطر به خون کشیده شدن میلیونها ایرانی مطرح نبود. بهمین دلیل هم بنی صدر مردم را هرگز - بلکه هرگز! - یک بار هم به مقاومت علیه دشمن اصلی دعوت نکرد. در عوض، پیوسته مردم را به استقامت، مقاومت و مبارزه علیه خط امام خواند و در واقع به آمریکا کمک کرد.

و این تنها مردم نبودند که به شورش فراخوانده می شدند - شورش برای احرای خواست های بنی صدر، خواست های کهریشه در آرزوهای بر باد رفته، امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پاپیکاهای آن در ایران داشت. بنی صدر ارتشیان را نیز به تفرود می خواند، تفرود از فرمان انقلاب، تفرود از خواست توده های مستضعف این سرزمین به خون شهیدان آغشته:

"... بار دیگر فرماندهان نظامی را جمع کردم... خطرات را با وضوح تمام برای آنها شرح کردم... هرگز نشد است که دستگاه تبلیغاتی مخالف یک فرمانده کل قوا باشد... اینها را می شود دلیل ضعف گرفت و گفت با این پشت جبهه نمی توان به جنگ پرداخت..." (۴ خرداد ۶۰ - کارنامه رئیس جمهور - انقلاب اسلامی)

و یا: "... لازم نیست کسی... یاد آوری بکنند که سرعت عمل لازم است... شما چطور می - خواهید همه چیز را... بگیری و بعد... بگوئید چرا سریع نمی جنکید..." (جلد ۵ - کارنامه رئیس جمهور - ص ۸۸)

و باز هم: "... نزد خلبانان و کارکنان هوانیروز رفتیم. خلبانانی که بنا به مسایلی که در اینجا احتیاج به بازگو کردن ندارد... کسل بودند. برای آنها صحبت مفصلی کردم..." (همان منبع - ص ۹۷)

و معلومست که ابوالحسن بنی صدر چه صحبت هایی برای آن خلبانان کرده بود، - بنی صدری که بطور غیر مستقیم می گفت:

"... اگر اعتماد تکنیک و فرماندهان در یک جو بی اعتمادی کامل عمل کنند، اعصاب قویشان به اعصاب ضعیف تبدیل می شود و ناگزیر می شوند دشمن... است و ممکن است برای کشورگران تمام بشود..." (همان جا - ص ۱۰۷)

آیا این غیر از دعوت به کودتاست؟ آیا این جز حمایت از سرهنگ معزی های خائن در برابر خیل ارتشیان معتقد و مومن و جایگزینی افسران کودتاچی به جای افسران میهن دوست است؟ این دعوت به مقابله با حاکمیت انقلابی ایران تنها از جانب بنی صدر عمل نمی آمد. لیبرالها - "میزان" را نگامکنید - عن این عمل را انجام می دادند. "جبهه ملی" همین کار را می کرد. "پیکار"، "رنجبر" و "اقلیت" و "بی بی سی" و رادیو آمریکا و بختیار و اوپسی هم بی پروا مردم را به قیام می خواندند. و بالاخره "مجاهد" ارگان رهبری خائن مجاهدین، هم به این باند ضد انقلابی پیوست.

و این همان خطی است که بنی صدر و رجوی - اش به کنار منتقل بختیار گریخته اند، اما تالیف های ناشناخته آمریکا همچنان باقی هستند و به اشکال مختلف می کوشند "خط" را ادامه دهند. هشدار باقیم!

ادامه دارد

در جلسات علنی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته گفته شد:

جبهه اسلامی ضد آمریکائی و ضد صهیونیستی باید هر چه زودتر فعالیت خود را آغاز کند!

۸۸ در سال ۵۹ از کل ۱۵ میلیارد دلار واردات، ۱۰/۵ میلیارد دلار عاید بخش

خصوصی گردید.

۸۸ امروز جبهه متحد آمریکا، انگلیس، فرانسه، سرمایه داران و زمینداران

بزرگ... در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته اند.

۸۸ ۲۰ میلیارد تومان آهن آلات کشور تنها توسط ۱۰ تاجر وارد شده است.

تحریم اقتصادی غیر رسمی و رسمی و خرابکاری-ها صنایع مزبور دچار بحران و تقلیل تولید حتی کمتر از رژیم سابق شدند. این صنایع تنها ۱۶ میلیارد تومان بدهی به بازار آوردند و با ظرفیتی کمتر از ۵۰ درصد کار کردند. ناطق در بخش دیگری از سخنان خود، ضمن اشاره به عوارض اقتصادی تکاپیهای -منحصر به تولید نفت- در دوران رژیم گذشته، یاد آور شد که به این ترتیب کشور ما "تبدیل به بازار کالاهای مصرفی آمریکا، انگلستان، آلمان، فرانسه و ژاپن شد."

نماینده اصفهان بود که، ضمن اشاره به حمله آمریکا به هواپیماهای لیبی، گفت: "آمریکا به چه کسی چنگ و دندان نشان می دهد؟ مگر آمریکا خاطره تلخ ویتنام را فراموش کرده است؟" وی در پایان سخنان خود به اهمیت حضور ایران در محافل و مجامع بین المللی اشاره کرد و خواستار شرکت ایران در این مجامع و از جمله فستیوال های فیلم و مسابقات ورزشی "المپیک" شد.

برای مبارزه با غارت تجار بزرگ

اصل ملی کردن تجارت خارجی را

اجرا کنید!

در این جلسه مواد ۱۴ و ۱۵ لایحه باز-سازی نیروی انسانی با برخی تغییرات مورد تصویب قرار گرفت.

برای مبارزه با غارت تجار بزرگ، اصل ملی-کردن تجارت خارجی را اجرا کنید.

در چهارمین جلسه علنی مجلس که روز ۵ شهریور تشکیل شد، مهندس الویری، نماینده مردم دماوند، به عنوان ناطق پیش از دستور سخن گفت و "امکان بروز اختلاف در نیروهای خط امام" و "بحران ها و مسائل اقتصادی" را به عنوان "دومشکل بزرگ در راه انقلاب" قلمداد کرد.

وی در خصوص مشکل دوم، به اقتصاد به ارث رسیده از رژیم گذشته اشاره کرد و آنرا صد درصد "وابسته"، "تکپایه ای" و "مصرفی" خواند.

ناطق خاطر نشان ساخت که در دوران رژیم گذشته "کشاورزی مابه کلی نابود شد" و "صنعت ما در دوران طاغوت انبوهی از صنایع مونتاز بود."

مهندس الویری در ادامه سخنان خود به وضع صنایع پس از انقلاب اشاره کرد و یاد آور شد که:

تمام به اصطلاح صنایع مزبور در روز تحویل به جمهوری اسلامی ورشکسته بودند و در اثر

نماینده دماوند برای مبارزه با این مشکلات لزوم تهیه و اجرای "برنامه های دراز مدت و کوتاه مدت و ضربتی"، "اجرای اصلاحات ارضی اسلامی" و "سیسج تمام نیروهای جهاد" در زمینه کشاورزی، و "اجرای هر چه سریع تر طرح دولتی کردن تجارت خارجی" را یاد آور شد. ناطق همچنین در زمینه "تجارت خارجی آماری از غارت سرمایه داران تجار ارائه داد و تاکید کرد که در سال ۵۶ از کل ۱۶ میلیارد دلار واردات، ۷/۵ میلیارد دلار متعلق به بخش خصوصی بود. در صورتیکه در سال ۵۹ از کل ۱۵ میلیارد دلار واردات، ۱/۵ میلیارد دلار عاید بخش خصوصی گردید.

مهندس الویری به عنوان شاهد مثال به واردات آهن اشاره کرد و یاد آور شد که کل آهن-آلات وارداتی ۲۰ میلیارد تومان بود که تنها توسط ۱۰ تاجر وارد می شود و بدین ترتیب هر تاجر ۲۰ میلیون تومان سود برده است. پس از پایان سخنان ناطق پیش از دستور مجلس وارد دستور شد و پس از قرائت تذکرات برخی نمایندگان از سوی رئیس مجلس، کار بررسی مواد دیگری از لایحه قانونی بازسازی ادامه یافت.

در این جا پس از ارائه پیشنهاد های مختلف از سوی نمایندگان، ماده ۱۶ این لایحه با برخی تغییرات تصویب شد.

انتخاب شد. در این جلسه همچنین اعتبارنامه سید محسن موسوی، یکی از نمایندگان تبریز، مورد تصویب قرار گرفت.

در دومین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، که روز ۳ شهریور تشکیل شد، اعتبارنامه پنج تن دیگر از نمایندگان جدید مجلس مورد تصویب قرار گرفت و ماده ۱۳ لایحه قانونی بازسازی نیروی انسانی اداره های دولتی نیز در این جلسه از تصویب گذشت.

در جلسه بعدی مجلس، که روز ۴ شهریور تشکیل شد، نماینده مردم شادگان و خرمشهر، در نطق پیش از دستور خود، توطئه های دشمنان انقلاب را تشریح کرد.

وی سپس با اشاره به گفته صدام مبنی بر اینکه "من تمام مخالفین انقلاب ایران را مسلح خواهم کرد"، گفت:

"آیا در صف آمریکا قرار گرفتن در مقابل ملت که سال ها تحت استعمار بوده، قرار گرفتن، انقلابی بودن را نشان می دهد؟"

وی سپس به توطئه های ضد انقلاب علیه نهادهای انقلابی اشاره و تاکید کرد که این دشمنی از جمله با مجلس شورای اسلامی، ناشی از تصویب قوانین انقلابی در مجلس است که منافع بسیاری از غارتگران را به خطر انداخته است.

ناطق در پایان تصریح کرد که امروز جبهه متحد آمریکا، انگلیس، فرانسه، سرمایه داران و زمین داران بزرگ و ستم گران در یک صف در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته اند. دومین ناطق این جلسه دکتر صلواتی،

در جلسات علنی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته، نمایندگان، ضمن محکوم کردن توطئه های آمریکا علیه انقلاب ایران و هم چنین کشور لیبی، خواستار تسریع در امر تشکیل "جبهه اسلامی ضد آمریکائی و ضد صهیونیستی" شدند.

در اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، که روز اول شهریور، به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، فتحعلی صاحب زمانی نماینده مردم آسناد، بعنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت و لزوم تشکیل "جبهه اسلامی ضد آمریکائی و ضد صهیونیستی" را مورد تاکید قرار داد.

وی در ادامه سخنان خود، در زمینه "تقسیمات کشوری و انتقال کالاهای بارند کشور بیسپاهایی" ارائه کرد.

دومین ناطق پیش از دستور این جلسه، علی معرفی زاده، نماینده مردم خرمشهر و شادگان، بود که ضمن اشاره به مباران مناطق غرب سس شادگان از طرف متجاوزین صدامی، این عمل را نشانه بیوج بودن ادعاهای صدام در مورد دفاع از "عریب" دانست.

وی آنگاه تاکید کرد که جنگ عراق یا ایران به منظور اجرا کردن خواست شوم آمریکائی جهاجوار برای خدشه دار کردن انقلاب ایران بوده است.

در این جلسه، پس از پایان سخنان پیش از دستور، برای انتخاب نایب رئیس مجلس رای گیری به عمل آمد، که در نتیجه حجت الاسلام محمد دزدی با ۱۱۸ رای به این سمت

پشتیبانی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران از مبارزه

مردم قهرمان نامیبیا و سازمان انقلابی آن سواپو

باینکه تمام ملت های آزاد دنیا و اکثر قریب به اتفاق دولت های جهان استقلال نامیبیا را به رسمیت شناخته و مبارزات برحق نهضت سواپو را در این سرزمین مورد تحسین قرار داده، آنرا تنها نماینده قانونی ملت آفریقای جنوب غربی نامیبیا دانسته، لیکن منافع پست استعماری، این غارتگران نژاد-پرست را در کمین خون سیاهان آفریقای جنوبی متوقف نکرده، آنها را به داخل سرزمین غنی نامیبیا سوق می دهد که علیرغم قطعنامه-ها و اخطارهای مکرر سازمان ملل به تجاوز و خون ریزی خود ادامه میدهد.

ملت مسلمان ایران که با نهضت کم نظیر خود جمهوری اسلامی را مستقر ساخت و از همان ابتدا شعار خود را رهائی مستضعفان از یوغ اسارت و ظلم مستکبران قرار داده، خود را در مبارزات برحق ملت نامیبیا با آنها همراه دانسته از سازمان سواپو بعنوان تنها نماینده قانونی این ملت حمایت میکند.

ملت نامیبیا باید آگاه باشد که تلاش های سازمان ملل تنها زمانی مورد تأکید می باشد که جنبه عملی به خود گرفته و ستمگران را از سرملت های مستضعف منحل نامیبیا کوتاه کند، در غیر این صورت باید این ملت به راه خود که مبارزه با ظلم است را سا گام نهاده با توکل به خداوند تبارک و تعالی و پشتیبانی ملت های مستضعف جهان به استقلال و آزادی دست پیدا کند.

و سیعلم الدین ظلموا ای منقلبین یبقیون.
وزارت امور خارجه
جمهوری اسلامی ایران

هفته گذشته در پی تجاوز آشکار نیرو-های مزدور و نژاد پرست آفریقای جنوبی- که به شدت از حاکم امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا حمایت می شود- به سرزمین آنگولا به سهانه کوبیدن پایگاه های رژیم دیکتاتور سواپو (سازمان آفریقای جنوب غربی) که برای استقلال وطن شان نامیبیا می جنگند، سراسر جهان یکصد ایاه اعتراض برخاست، وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز بنا به ماهیت و رسالت انقلاب صدامی رالیستی و مردمی و اسلامی ما در دفاع از امر برحق مردم نامیبیا و پشتیبانی از سازمان رهبری آن سواپو اعلامیه فاطمی صادر کرد که در زیر متن آن از نظر خوانندگان می گذرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

به گزارش خبرگزاری آنگولا روز دوشنبه دوگردان موتوری آفریقای جنوبی به مرز نامیبیا تجاوز کرده بداخل شهرهای "روکا داس" و "گاما" نفوذ کردند. بار دیگر خسری از تجاوز به گوش ملت های جهان میرسد، خبری که همیشه مایه درد و رنج و ناامنی ملت ها بوده است. این بار متجاوز رژیم نژاد پرست و رسوای آفریقای جنوبی است. همان رژیمی که رنگ پوست را عامل تمایز و افتخار میداند و در مقابل منطق الهی که میفرماید: ان اکرمکم عندالله اتقیکم، منطق بی خردانه ای عرضه میکند که توحیه کننده زور و تاملین کننده مافع کثیف استعمار پیش باشد.

شورای نامیبیا و وظایف آن

اجرائی واداری است. وظیفه "شورای نامیبیا" عبارتست از کوشش برای پیشبرد قطعنامه "سازمان ملل متحد" درباره حق تعیین سرنوشت مردم نامیبیا بدست خود و کسب استقلال. شورای نامبرده در این چارچوب سیاست "سازمان ملل متحد" را درباره "نامیبیا" تعیین و از منافع این سرزمین دفاع میکند دیگر وظایف ویژه "شورای نامیبیا" عبارت است از: تأمین تمامیت ارضی نامیبیا، نمایندگی آن در سازمان های بین المللی، هماهنگی روند پشتیبانی از خلق نامیبیا، نشر اطلاعات، نظارت بر "صندوق نامیبیا"، سرپرستی "انستیتو نامیبیا" در سازمان ملل متحد و اقدام در راه رعایت فرمان شماره یک این انستیتو درباره منافع طبیعی نامیبیا، "شورای نامیبیا" همچنین پشتیبانی بین المللی را در راه خاتمه دادن به اشغال غیرقانونی نامیبیا از سوی آفریقای جنوبی بسیج می کند و با مانورهای نژاد پرستان آپارتید در راه ادامه سیادت خود بر نامیبیا به مقابله می پردازد.

"شورای نامیبیا" بر پایه قطعنامه ۲۲۴۸ (س، ۵) ۳۰ فروردین ۱۳۴۶ (۱۹ مه ۱۹۶۷) پدید آمد. این قطعنامه پس از قطعنامه ۵ آبان ۱۳۴۵ (۲۷ اکتبر ۱۹۶۶) "مجمع عمومی سازمان ملل متحد" اتخاذ گردید، که بموجب آن قیومیت این مستعمره سابق امپراتوری آلمان از رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی باز پس گرفته و اشغال نامیبیا غیرقانونی اعلام شد. سازمان ملل متحد مسئولیت مستقیم این سرزمین را بعهده گرفت.

"شورای نامیبیا" ۳۱ کشور از جمله اتحاد شوروی، بلغارستان، لهستان و رومانی را دربر می گیرد. نمایندگان "سازمان خلقی آفریقای جنوب باختری" (سواپو) و "سازمان وحدت آفریقا" نیز به عنوان ناظر دائمی در فعالیت های

"شورای نامیبیا" شرکت دارند. رئیس "شورای نامیبیا" پائول ج. اف. لوساکا نماینده دائمی زامبیا در سازمان ملل متحد است. علاوه بر این مارتی آه تی ساری (فنلاند) نیز بعنوان کمیسر عالی "سازمان ملل متحد"، در این نهاد دارای وظایف

روند احداث صنایع در کوبا به پیش می رود

در کوبا در پنج سال گذشته ۳۰۰ کارخانه و واحد صنعتی جدید احداث شده است. این موسسات، از جمله، دو کارخانه سیمان با تولید سالیانه سه میلیون تن، سه کارخانه لوله سازی، دو واحد تولید آسفالت، دو میل سازی و دو کاشی سازی را در بر می گیرند. در کشاورزی کوبا، از سال ۱۹۷۶ تا کنون بیش از هزار موسسه تاسیس یافته است. ۲۴۰ دریاچه مصنوعی و ۱۴۰ کیلومتر کانال، زمین زیر کشت و آبیاری را به مقدار ۳۰۰ هزار هکتار گسترش داده است. در پنج سال گذشته همچنین ۲۰۰ کودکستان و ۲۲ هتل جدید در کوبا ساخته شد. در این مدت کوبا ۷ میلیارد پسو در ساختمان سرمایه گذاری کرد، که ۴۰ درصد بیشتر از دوران پنج ساله پیش از آن بود.

سایه جعد جنگ برفراز جهان

جعد جنگ بار دیگر سایه شوم خود را بر جهان گسترده است. تلاش‌های مکرر...

تفسیر وقایع مهم جهان

موشک‌ها در اروپا توازن استراتژیک بین دو قدرت جهانی را برهم میزنند. در صورت بروز جنگ اتحاد شوروی باید تمام تلاش خود را بکار بندد...

در انگلستان، علاوه بر حزب کارگزاران "خلع سلاح هسته‌ای اروپا"، که برتراند راسل...

"مانه طرفدار شوروی هستیم و نه ضد آمریکا. ما معتقدیم که اروپائی‌ها باید مسائل خودشان را خود حل کنند و آنها را به آمریکا واگذار نکنند..."

سران حکومت آمریکا با خشم و غضب به رشد جنبش صلح می‌نگرند و میکوشند با عوام...

در منطقه مایه‌ترین گواهی امر است. در منطقه مایه‌ترین گواهی امر است. در منطقه مایه‌ترین گواهی امر است.

۸/۵ میلیارد دلار اسلحه به عربستان سعودی

کاخ سفید اعلام کرده که تصمیم گرفته است ۸/۵ میلیارد دلار اسلحه به عربستان سعودی بفرشد.

مراقبت پروازهای هواپیمائی اسرائیل استفاده کند! اداره پرواز بررسی اطلاعاتی که آواکس‌ها...

بسیار خوب، این استفاده‌ای بود که آمریکا می‌تواند در نظر دارد. پس خود سعودیها؟ هیچ!

خودمختاری یا زنجیر اسارت؟

خبرگزاری‌ها اطلاع دادند که بگین برای مذاکره با سادات درباره خودمختاری فلسطین به مصر رفته است.

بگین اعلام کرده است که منطقه اشغال شده ساحل غربی رودخانه اردن، ویا به قول خودش "ارتس یسرائیل" (سرزمین اسرائیل)...

هم اکنون اسرائیل حقیقتاً این منطقه را به مستعمره خود تبدیل کرده است. ۱۰۰ شهرک یهودی نشین به جای دهکده‌های فلسطینی در این اراضی ایجاد شده است.

اسرائیل به هیچوجه برای (خلق چهار میلیون فلسطینی، که اکنون در سراسر جهان آواره اند، حق موجودیت قائل نیست، او به مصر آمده است تا با کمک خائنی چون سادات، از خود اعراب خائنانی در سرزمین اشغالی برای همکاری با اسرائیل بیاید و با اسم "خودمختاری" طوق استعمار امپریالیستی...

مسئله فلسطین یکی از مسائل محوری خاورمیانه نزدیک است. برخورد به این مسئله ملاک انقلابی بودن و یا ضد انقلابی بودن کشورها...

عربستان سعودی در حدود ۹۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی دارد. آژانس پولی عربستان سعودی کوشیده است که سلامت سیستم مالی دنیای آزاد را از طریق تخصیص ۷۵ درصد ذخایر ارزی خود به دلار و خرید اوراق دولتی آمریکا حفاظت کند.

عربستان سعودی در اوجک و پائین نگاه داشتن قیمت نفت ستایش کرده مینویسد.

عربستان سعودی برای آن که بتواند قیمت‌های اوپک را در سطحی نگاه دارد که به اقتصاد آمریکا و سایر کشورهای دنیای آزاد زیان نرساند، بیش از نیازهای مالی خود نفت تولید میکند.

آیا امپریالیسم آمریکا میتواند گاو شیر-دهی به از این بدست بیاورد؟ و آیا وزیر نفت خود آمریکا میتواند بهترین پیمان‌های از منافع آمریکا در اجلاس اخیر اوپک دفاع کند؟

برای سران مزدور عربستان سعودی حفظ منافع "دنیای آزاد" از نیاز توده‌های محروم "جهان سوم" و خلق‌های بی‌خاسته ایران و لیبی و فلسطین و غیره واجب‌تر و اولی‌تر است.

انقلابی برای کاستن از نیروی خلق‌های بی‌خاسته در برابر دشمن امپریالیستی و صهیونیستی است. با این پشتوانه نیرومند است که بگین می‌خواهد اراده خود را بر خلق‌های عرب و به ویژه بر خلق عرب فلسطین تحمیل کند.

و آن جاسوسی بر ضد جمهوری اسلامی ایران - دشمن امپریالیسم و ارتجاع منطقه است. نقش خائنان‌های که سران عربستان سعودی علیه خلق‌های مسلمان و مستضعف منطقه و بسود آمریکا بازی میکنند، فقط نقش یک دشمن است.

عربستان سعودی همیشه پای بپای آمریکا در ایستادگی علیه کمونیسم به تعهدات خود وفا کرده است. عربستان سعودی تاکنون با هیچ یک از کشورهای بلوک کمونیستی روابط دیپلماتیک برقرار نکرده است، و تمام نیروی اقتصادی و سیاسی خود را برای جلوگیری از نفوذ اتحاد شوروی به خاورمیانه به کار بسته است.

علاوه بر این، عربستان سعودی گرایش خاصی به خرید محصولات و تکنولوژی آمریکایی نشان میدهد. واردات عربستان از ایالات متحده از هر کشوری بیشتر است.

عربستان سعودی در حدود ۹۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی دارد. آژانس پولی عربستان سعودی کوشیده است که سلامت سیستم مالی دنیای آزاد را از طریق تخصیص ۷۵ درصد ذخایر ارزی خود به دلار و خرید اوراق دولتی آمریکا حفاظت کند.

عربستان سعودی در اوجک و پائین نگاه داشتن قیمت نفت ستایش کرده مینویسد.

عربستان سعودی برای آن که بتواند قیمت‌های اوپک را در سطحی نگاه دارد که به اقتصاد آمریکا و سایر کشورهای دنیای آزاد زیان نرساند، بیش از نیازهای مالی خود نفت تولید میکند.

آیا امپریالیسم آمریکا میتواند گاو شیر-دهی به از این بدست بیاورد؟ و آیا وزیر نفت خود آمریکا میتواند بهترین پیمان‌های از منافع آمریکا در اجلاس اخیر اوپک دفاع کند؟

برای سران مزدور عربستان سعودی حفظ منافع "دنیای آزاد" از نیاز توده‌های محروم "جهان سوم" و خلق‌های بی‌خاسته ایران و لیبی و فلسطین و غیره واجب‌تر و اولی‌تر است.

انقلابی برای کاستن از نیروی خلق‌های بی‌خاسته در برابر دشمن امپریالیستی و صهیونیستی است. با این پشتوانه نیرومند است که بگین می‌خواهد اراده خود را بر خلق‌های عرب و به ویژه بر خلق عرب فلسطین تحمیل کند.

بمناسبت سی امین سالگرد تأسیس "پیمان آنزوس" (۱۰ شهریور ۱۳۳۰ / سپتامبر ۱۹۵۱) حربه صلح ستیزی "پنتاگون" در قاره پنجم

پرواز در آید، گزارشی می‌دهند، اکنون بمافکن‌های استراتژیک "ب-۵۲" آمریکا امکان آنرا یافته اند که در داروین، بندر شمالی استرالیا، در پایگاه‌های جدید فرود آید. بنزین گیری کنند، به عویض سرنشینان خود بپردازند و در ارتفاع نازل بر فرار قاره پنجم، اقیانوس هند و اقیانوس آرام به

"پیمان آنزوس" در ۱۰ شهریور ۱۳۳۰ (اول سپتامبر ۱۹۵۱) به امضا رسید و از ۸ اردیبهشت ۱۳۳۱ (۲۸ آوریل ۱۹۵۲) به مرحله اجرا گذاشته شد. این پیمان کشورها را متحد می‌کند، زلاندنو و ایالات متحده آمریکا را در برمی‌گیرد. هدف از تأسیس "پیمان آنزوس" شرکت دادن هر چه بیشتر کشورهای اقیانوس آرام در استراتژی جهانی "واشنگتن" بود. از اواسط سالهای ۷۰ به این سو جاده طلبی ایالات متحده در این زمینه افزایش یافته است. در آخرین کنفرانس "پیمان آنزوس"، در ولینگتون، نمایندگان "پنتاگون" توانستند تصمیمات جدیدی درباره استفاده از پایگاه‌های مهم خارجی بیابند. برای نمونه، چنانکه رسانه‌های گروهی

سبزیانه در دست "پنتاگون" رسوایی کرد. آماج این پیمان، در درجه نخست، اتحاد شوروی، کشورهای سوسیالیستی آسیا و جنبش‌های آزادی بخش در این منطقه است. اعضای "پیمان آنزوس" که در تجاوزه‌های ایالات متحده در ویتنام و کره شرکت داشتند، هر چه بیشتر راه اجرای نقشه‌های تجاوزه کارانه امپریالیستی "واشنگتن" را هموار می‌سازند. بنا بر این شگفت‌انگیز نیست که مردم استرالیا و زلاندنو عمیقاً نگران اوضاع هستند، بویژه آنکه چندی پیش فاش شده "کانبرا" (پایتخت استرالیا) و "ولینگتون" (پایتخت زلاندنو) در زمینه عملیات نظامی باید کورکورانه از "واشنگتن" پیروی کنند و راهی چگونه آزادی تصمیم‌گیری بهره‌مند نیستند.

چه کسانی...

بغیر از صفحه ۱

آمریکایی گذاشته شد.

ما ۶ ماه (شهریور ۵۹ تا اسفند ۵۹) انتشار این ۲ روزنامه، همی نزدیک به ۴۰۰ شماره آسپارامورد بررسی فرار دادیم. در هیچ جا از این ۴۰۰ شماره مطلب مستقلی علیه شیطان بزرگ نیافتیم. (منظور مطالب اخبار و مقاله - های خود روزنامه است و نگریه در نقل سخنان امام مادیگر رهبران جمهوری اسلامی ایران، ساچاره - معزعم آن دوروزنامه - امیرالیسم و محتایات آن مطرح شده است.)

در هیچ یک از این دوروزنامه، نه غیر از یکبار در روزنامه "انقلاب اسلامی" آمریکا به عنوان دشمن اصلی معرفی نشده است، و این یکبار هم بعد از اینکه مائوئیست شواری، احمد غصفریور در سه شماره بیانی دشمن اصلی ایران را شوروی و همه یلایا را ناشی از دوگاه سوسیالیسم دانست. روزنامه "انقلاب اسلامی" هم همین شماره این مقاله مقدمه ای افزود و در آن نوشت که هر چند دشمن اصلی آمریکا است، ولی ما به اقتضای خطرات شوروی می پردازیم.

بررسی ما نشان می دهد که منظور متوسط، بیش از ۸۰ درصد مطالب و مقالات این دوروزنامه، به معنی آمریکا بوده است. برای مثال، در ماه های آذر و دی ۵۹ در "انقلاب اسلامی" ۸۰ - ۸۵ - ۸۷ در میزان ۸۷ درصد مقالات و مطالب به نقل از منابع امیرالیستی، مانند تایم، نیور - ویک و... و همگی به معنی امیرالیسم بوده است. (جدول ۱ و ۲) میزان در طول این دو ماه ۲۲ مقاله در معنی خطر امیرالیسم، ۱۵ مقاله علیه جنبش های آزادی بخش و ۱۹ مقاله علیه کشور - های سوسیالیستی به چاپ رسیده است. "انقلاب اسلامی" در همین مدت ۲۰ مقاله در معنی خطر امیرالیسم، ۱۵ مقاله علیه شوروی، ۱۳ مقاله علیه جنبش های راه های بخش و ۷ مقاله علیه "عرب" منتشر کرده است.

بدین ترتیب این دوروزنامه با تمام نیرو کوشیدند آمریکا را از ربر صر به خارج کنند. آنها حتی آمریکا را از شرکت در حمایت ۱۷ شهریور سرش کردند. در شماره ۳ میزان "به این عبارت بر محوریم".

شرح حیات تازهای مربوط به ۱۷ شهریور "تمام حیات آمریکا است" (میزان شماره ۳) بسیار جالب است بدانند که لیبرال ها چگونه به شرح حیات آمریکا در ۱۷ شهریور پرداخته اند. در این گزارش که در شماره اول "میزان" به تاریخ ۱۶ شهریور ۵۹ منعکس شده است، هیچگونه مطلبی که دال بر شرکت آمریکا در این حیات باشد، وجود ندارد. هیچ حیات آمریکا کرده شده است، و در عوض:

آه "برای از دست رفتن شانسان دموکراسی"

لیبرال ها در بحثی از این گزارش یک صفحه کامل را به بررسی مطالب نشریات خارجی در مورد حمایت ۱۷ شهریور اختصاص داده اند.

این نشریات عبارتند از: گاردین، نیورویک، لوموند و اکومونیست، یعنی نسخه نشریات امیرالیستی. در این جا لیبرال ها از زبان "گاردین" برای "از دست رفتن شانسان دموکراسی در اثر "گمنام" ۱۷ شهریور، آمده می کنند. توجه کنید:

"گاردین: ایران در هفته گذشته چیزهای بیشتری از حیات چند نفر از دست داده است و ممکن است شانسان طبع و آشنی و راه برای جامعه ای بر اساس روشنی و دموکراسی راهموار کردن از دست داده باشد. (میزان، شماره ۱) این، در حقیقت آه جانگداز "لیبرال" هاست که از حلقوم "گاردین" خارج شده است. عبارت فوق در حقیقت چنین می گوید:

جنبش خلق نوظه های آمریکا و سازش - کاران را برای تشکیل یک "دولت آشنی ملی" و "تبدیل شاه به "سلطنت بکند و نه حکومت" نقش بر آب ساخت.

آیا بهتر است می توان آمریکا را از ربر صر به خارج ساخت؟ آیا بهتر از این می توان رهنمود "گاردین" سفارت آمریکا در تهران را اجرا کرد؟ این نمونه ای است از سرخورد لیبرال ها به گمنام آمریکا در ایران.

و این روزنامه لبال از انواع دیگر بردستی لیبرال ها برای خارج ساختن آمریکا از ربر صر به بودند. خط اصلی این ۲ روزنامه عبارت بود از تبلیغ اینکه آمریکا انقلاب ایران را درک کرده است و از این رو خطر آمریکا دیگر

منتفی شده است. لیبرال ها برای رسیدن به این هدف نخست اعلام کردند که آمریکا موافق تثبیت انقلاب ایران است:

"گاردین در نطقی بیان کرد با آنکه با دولت اسلامی مخالف است، ولی به هر حال آنرا نمائنده مردم این سرزمین می شناسد و حفظ حمایت ررضی آنرا بیشتر به مصلحت اردوی عرب تشخیص می دهد". (به مقاله استراتژی جنگ خوزستان - انقلاب اسلامی - شماره ۴۱۲) لیبرال ها پس از تبلیغ این که آمریکا موافق تثبیت انقلاب ایران است، سراغ این مطلب می رفتند که آمریکا هیچگونه اقدامی علیه انقلاب ایران متکب نشده و نمی شود. البته تبلیغ این ارا حیف بسیار دشوار بود، زیرا حداقل مردم از طریق رسانه های گروهی و غیره، اخبار مربوط به دخالت آمریکا در امور داخلی ایران و سایر نقاط جهان را می شنیدند پس باید چه کار کرد؟ لیبرال ها برای پیشبرد مقصود از ابرار "القائه ایده نولوژی" استفاده و جنس وانمود کردند که اخبار و مطالب راجع به دخالت آمریکا در این جا و آنجا، همه و همه تبلیغات به اصطلاح بلوک شرق است، پس نباید به آنها توجه کرد.

به این عبارات خوب توجه کنید:

"دستگاه های تبلیغاتی بلوک شرق در موصگیری های خود در قبال ایران سعی به این دارند که تمام مشکلات موجود در منطقه را ناشی از حضور آمریکا بگردانند و برای اثبات نظر خود، زمان شاه و زاندار مری رژیم شاه را به عنوان شاهد آورده و نیز حمله نظامی طیس و حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس را دگر می نمایند. علاوه بر این با مطرح کردن طرح "لوئیس" که در زمان نیکسون برای تجزیه ایران بی ریزی شده بود، آبراد لیلی واضح برای قصد تجزیه ایران ارسوی آمریکا می دانند: (انقلاب اسلامی، شماره ۴۸۶)

فکر نمی کنیم بتوان چیز دیگری به این تحلیل "سیا" زده اضافه کرد.

تبلیغات مسموم لیبرال ها داشت به خوشی و خرمی و آب و تاب در لیبرال نامه های لیبرال ها منتشر می شد که ناگهان امیرالیسم آمریکا دست به توطئه دیگری علیه انقلاب ایران زد و به دست رژیم صدام کشور ما را مورد تجاوز قرار داد. این برای لیبرال ها، که بار حمت فراوان کوشیده بودند تبلیغ کنند که آمریکا دوست انقلاب و مردم ایران است و غیره، حلی گران تمام شد. از این جهت لیبرال ها با دسیاچگی به این طرف و آن طرف زدند، تا توجهی برای این جنگ تحمیلی بیابند. باید چنان دلیلی برای این عمل آمریکا تراشید که هیچ ارساطی به انقلاب ایران و مبارزه مردم و سرکوب این مبارزات و این جمهوری نداشته باشد. بالاخره لیبرال ها راهش را پیدا کردند و دست به یک ترفندی زدند:

"با اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش سرخ، جراغ سبزی برای اقدامات مشابه به غرب داده شد. بسیاری از ناظران منتظر دخالت آمریکا در ایران بودند که این عمل نیز انجام گرفت". (میزان، شماره ۵)

همی واقعی این عبارت این است که آمریکا نه برای سرکوبی جمهوری اسلامی ایران، بلکه سها برای مقابله با "تجاوز روسیه در افغانستان، دست به این اقدام زده است. نتیجه اخلاقی این مطلب هم این است که اگر "روسیه" دست به این کارها می زد، هیچوقت آمریکا به چنین اعمالی دست نمی یازید! اما لیبرال ها پس از گذشت مدتی، حتی نقش آمریکا را در این جنگ منکر شدند و اعلام کردند که:

"آیامی توان پذیرفت که عراق یا وجود وابستگی تمام عیار خود به روسیه، علی رغم خواست مسکوبه ایران حمله کرده است". (انقلاب اسلامی، شماره ۳۶۱)

و همزمان با آن، به دامن زدن به انواع تبلیغات دورغین امیرالیسم خسری درباره ارسال اسلحه شوروی به عراق مشغول شدند. مرحله بعدی تبلیغات لیبرال ها به سود آمریکا این بود که: پس حالا که اینطور است و آمریکا کاری به کار ما ندارد و انقلاب ما را پذیرفته باید با او راه آمد! و برای آماده کردن این زمینه لیبرال ها غیر مستقیم به تعریف و تمجید از آمریکا پرداختند.

آمریکا "یرچمدار عدالت"

لیبرال ها در ارگان های خود آمریکا را "یرچمدار عدالت" حامی زدند و آنرا "صلح دوست" می خواندند. لیبرال ها برای این منظور دست به دامان الکساندر هیگ، وزیر امور خارجه آمریکا شدند، تا از قول او آمریکا معرفی کنند گوش کنید لیبرال ها از زبان هیگ چه می گویند:

"آمریکا باید یرچمدار عدالت اجتماعی

نه تنها در داخل کشور، بلکه در کره زمین باشد". (انقلاب اسلامی، شماره ۴۴۶)

این آمریکا تنها کشوری است عدالت - خواه، بلکه کشوری است مخالف جنگ و به ویژه جنگ اتمی:

"آمریکائیان جنگ اتمی را غیر قابل تصور اما روس ها آنرا حتی ممکن می دانند". (میزان شماره ۶)

صلح دوستی آمریکا هم به این سبب است که "رهبر جهان آزاد!" مدافع نظم جهانی است:

"اعتقاد وزیر دفاع آمریکا دایر بر اینکه فتنه جوئی های بین المللی یگانه تهدید واقعی است که امنیت آمریکا را به مخاطره می اندازد، خود یک دگرگونی عمده ای است که در طرح - های نظامی این کشور مشاهده می شود. هر یک از گزارش های سالانه بنناگون تنها بر تهدید شوروی تاکید کرده... "پاشیدگی و تشتت - های اقتصادی بین المللی به اندازه تهدید - های نظامی شوروی می تواند برای جهان خطر - ناک باشد. در چنین شرایطی آمریکا بدون شک از نیروی نظامی خود برای جلوگیری از نابودی کامل نظم جهانی و یا برای حفظ منافع اتباع آمریکائی خود استفاده خواهد کرد".

(استراتژی مداخله در جهان سوم لوموند - میزان - ۱۸ شهریور ۱۳۵۹)

و چون چنین است، یعنی آمریکا "حافظ نظم جهان"، "عدالت خواه" و "صلح دوست" است، مبارزه با آن مخالف اسلام است! (البته اسلام آمریکائی) بله، تعجب نکنید، لیبرال ها عین این را تبلیغ کرده اند:

"آیا صرف اعتقاد به بیرون راندن نفوذ آمریکا، کسی را مسلمان انقلابی پیرو خط امام می سازد". (میزان، شماره ۹۹)

و: "امروز عمده ترین خطری که در کمین جوانان انقلابی است، افتادن ناخود آگاه و یا حسن نیت و به قصد قربت در همین راه و داخل شدن در مبارزه ای است که قوانین آن نه بر اساس معیارهای اسلامی، بلکه بر اساس ضوابط بلشویکی تدوین شده است... بدون شک مبارزه ما با امیرالیسم نمی تواند همان روشی باشد که ماتریالیست های چپ ارائه داده اند".

(میزان، شماره ۸۳)

و بالاخره هم آمریکا را رسماً به خاورمیانه دعوت می کنند:

"اگر آمریکا در چند کشور خاورمیانه مستقر شود، اتحاد شوروی را از این کار (حضور در این کشورها) باز خواهد داشت". (میزان، ۹ مهر)

حلقه دوم: تبلیغ "خطر کمونیسم"

" مگر همیشه ما را با این چماق نکوبیده - اند با چماق خطر کمونیست؟ ۲۸ مرداد هم ما را با این چماق کوبیدند". (آیت الله طالقانی)

"تبلیغ خطر کمونیسم برای انحراف توجه مردم از دشمن اصلی، آمریکای جبار است" (حجت الاسلام خامنه ای، در نماز جمعه، ۱۱ اسفند ۵۹)



دیدیم که چگونه لیبرال ها، با استفاده از تبلیغات دستگاه های جاسوسی امیرالیستی در مورد اینکه خطر آمریکا در ایران منتفی شده، کوشیدند خط فراموش شدن آمریکا و منحرف

ساختن انقلاب از سمت ضد آمریکا بی آن رایش برسد.

دیدیم که هسته اصلی این حلقه تبلیغاتی لیبرال ها این بود - وهست که و اعمود سازند "آمریکاد دشمن اصلی انقلاب ما نیست". اما حالا که آمریکا دشمن اصلی انقلاب ایران نیست، پس دشمن اصلی انقلاب کیست؟ این حساست که لیبرال ها از طریق یکار بردن حریم رنگ رده ضد کمونیستی امیرالیسم، دست به ساختن یک دشمن بوهوم می زدند و می زدند، تا بتوانند هم جای خالی آمریکا را پر کنند و هم همه توشو توان مردم و سازمان ها و شخصیت های انقلابی، ولی کم تجربه، را صرف مبارزه با اینس دشمن بوهوم و ساختگی سازند. تبلیغاتی چون: "ایران را کمونیسم تهدید می کند"، "شوروی قصد تجاوز و تجزیه ایران را دارد" و... مضمون اصلی این حلقه دوم تبلیغاتی لیبرال ها، یعنی تبلیغ "خطر کمونیسم" برای ایران را تشکیل می دهد.

هنری کیسینجر، تئوریسین انحصارات چند ملیتی آمریکا و پادوی خانواده راکفلر، تئوری "خطر کمونیسم" و "خطر شوروی" را در ارتباط با جنبش های بی بخش کشورهای عربی چنین فرموله کرده است:

"سیاست من همچنان بر مبنای تیره کردن روابط شوروی و اعراب بنا شده بود. فلسفه ام این بود که مانیکه شوروی از اعراب دست بکشد، ما قادر خواهیم بود مسئله صلح در خاور میانه را پیشکشیم و در راه آن عمل کنیم. بنا بر این با به وجود آوردن وقایع اردن و کانال سوئز تحریراتی را در راه تغلیل نفوذ شوروی بنا نهادیم. (کیهان، ۶۰/۲۱/۵۰)

برژینسکی، مشاور کارتر در امور امنیتی این فرمول را در مورد انقلاب ایران چنین عنوان کرده است:

"لازم است جوسو ظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگان شو وجود دارد، مورد بهره برداری قرار داد. رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتحاد شوروی، حتماً به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد".

لیبرال ها، که از تبلیغ "خطر شوروی" و "خطر کمونیسم" در دوران ملی شدن صنعت نفت و نتیجه این تبلیغات - کودتای ۲۸ مرداد خاطر به بسیار خوشی داشتند بعد از پیروزی انقلاب ایران، بر اساس نظریه برژینسکی آنرا با جدیت دنبال کردند. بیپوده نبود که آماج اصلی روزنامه های آنها، از طریق نشخوار دوباره نشریات امیرالیستی، تبلیغ علیه اردوگاه سوسیالیسم و بویژه اتحاد شوروی بود.

یک بررسی کوتاه - که نمونه وار است نشان می دهد که علاوه بر اخبار متعدد روزانه علیه اتحاد شوروی و عمده کردن "خطر آن"، "میزان" در طول ماه های آذر و دی ۱۳۵۹ بیشتر از ۲۲ مقاله مستقل علیه کشورهای سوسیالیستی به چاپ رسانده است. در همین مدت "انقلاب اسلامی" ۱۵ مقاله علیه اردوگاه سوسیالیسم به چاپ رسانده است. و این تازه مقالاتی است که به نقل از امیرالیسم خبری - به ویژه روزنامه ها و مجلات آمریکائی - علیه کشورهای سوسیالیستی به چاپ رسیده است.

لیبرال ها در روزنامه های "انقلاب اسلامی" و "میزان" تنها به درج مطالب نشریات امیرالیستی چون لوموند، تایم، نیوزویک و... در مورد "خطر شوروی" اکتفا نکردند، بلکه در مطالبی که متعلق به خود آنها بود نیز "خط" تبلیغ "خطر شوروی" را با جدیت تمام دنبال کردند:

"شوروی نیز به همان اندازه (به اندازه آمریکا) از گسترش انقلاب اسلامی وحشت زده شده است". (میزان شماره ۷)

لیبرال ها بعد از القاء نظریه بالا، به القاء این فکر پرداختند که به علت "وحشت شوروی" از گسترش انقلاب ایران، پس انقلاب ما علیه شوروی نیز هست.

"انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران... علیه امیرالیسم شوروی نیز هست... روس ها از این موضع گیری ایران زیاد خوشحال نیستند". (انقلاب اسلامی، شماره ۲۴۶)

لیبرال ها آنگاه نتیجه گرفتند که این ترتیب شوروی طرفدار استقلال و آزادی ما نیست:

"دشمنی آمریکا با ما نباید موجب این توهم گردد که دشمن ما، یعنی روسیه، طرفدار استقلال و آزادی ایران است". (انقلاب اسلامی شماره ۴۷۰)

و برای آنکه این نظریه را جابجا نازند، قبل از هر چیز، اندک اندک این تئوری "سیا" ساخته را دامن زدند که شوروی در سطح جهان جای آمریکا را سبها همان مقاصد امیرالیستی - بقیه در صفحه ۷

چه کسانی...

بقیه از صفحه ۶

گرفته است:

"تکند خدای نکرده تمام توجه به آمریکا معطوف شود و قسمت شرقی پایه انقلابمان به فراموشی سپرده شود، زیرا که زمانه بازی های بسیار دارد، شایه های این دوران به آن دوران اعجاب انگیز است. همانگونه که در آن روزگار امپریالیسم آمریکا بر انگلستان پیشی گرفته بود، امروز نیز شوروی به چنین مرحله ای رسیده است." (انقلاب اسلامی، شماره ۴۴۴)

و سرانجام اعلام داشتند که "خطر شوروی بزرگ تر از خطر آمریکا است."

"دوایر قدرت شوروی و آمریکا هر چند یک هدف، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی را تعقیب می کردند، ولی دلایل این سرنگونی برایشان متفاوت بود. آمریکایی خواست (توجه کنید: "می خواست" با جمع کردن کلیه صد انقلابیون در کردستان و خوزستان، با سرعت هر چه تمام تر جمهوری اسلامی ایران را سرنگون و حکومت معتدل تری از شاه به نام بختیار را در ایران حاکم سازد. ولی شوروی برای سقوط جمهوری اسلامی ایران، برنامه دراز مدت تری داشت و هنوز هم دارد (توجه کنید: "هنوز هم دارد") (میزان، شماره ۲۶)

یعنی که آمریکایی خواست رژیم جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کند، اما حالا به سر عقل آمده و طرفدار حفظ تمامیت ارضی ایران شده است، اما شوروی که برنامه دراز مدت تری دارد، هنوز هم به عنوان خطر دراز مدت حاضر است، پس دشمن اصلی نه آمریکا، بلکه شوروی است!

لیبرال ها سپس برای این تئوری "سیا - ساخته" "تئوریک" هم تراشیدند: "تضعیف ایران برای شوروی ۲ ویژه گی دارد:

نخست آنکه بر مشکلات فراوان ایران افزوده شود... دوم آنکه هیئت حاکمه ایران که در دوران خود چند دستگی و درگیری داشت، از پای درمی آید." (میزان، شماره ۱۷)

لیبرال ها حتی برای تبلیغ این مطالب خنده آور دست به دامان ضیاء الحق، نوکر حلقه به گوش آمریکا، شدند. ضیاء الحق در مصاحبه ای با لیبرال ساوثوست نام "انقلاب اسلامی" گفت:

"شوروی همچون روباه در صدد است تا ایران را به جنگ آورد." (انقلاب اسلامی، شماره ۳۶۴)

و بالاخره نوبت به افشای "نقشه شوروی" رسید:

"تلاش های آنها (شوروی) برای رسیدن به آب های خلیج فارس و کنترل صنایع نفتی کشور - های منطقه چیزی است که از دیرباز در صدر برنامه های سیاست خارجی کرملین قرار داشته است." (میزان، شماره ۱۷)

به نظر ما خط اصلی لیبرال ها و روزنامه های آنها - "خط منسی کردن خطر آمریکا" - خطی که خود لیبرال ها هم به مشکلی کاملاً رسمی آن را در مجلس شورای اسلامی اعلام کرده اند، کاملاً روشن است:

"این بیان که ما با آمریکا در حال جنگیم، هنوز یک چیز قطعی نیست... ما خودمان را در حال جنگ با آمریکا نمی بینیم... چرا وارد صحبت با آمریکا نشویم" (پدال الله سبحانه جلسته علنی مجلس ۱۳۵۹/۷/۹)

امام خمینی، پس از شکست نوظئه بنی - صدر و بانداو، که توطئه آمریکا بود، گفتند:

"تغاله های آمریکا... الان هم هستند، همان تغاله هایی که کوشیدند و میکوشند "آمریکا اصلاً منسی بشود... شوروی را مطرح میکردند تا آمریکا منسی بشود... خط این بود که قضیه "مرگ بر آمریکا منسی بشود."

بر همه نیروهای انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، و بر همه مسئولان مملکتی است که با هشیاری ببینند چه کسانی هنوز هم میکوشند آمریکا منسی بشود، اینان را اگر صادق و ولی ناکا هاند، باید از افتادن در این دام خطرناک بر حذر داشت و اگر آگاهند، ولی نقاب مسلمانی و انقلابی بر چهره دهاند، باید آنها را افشا کرد. افشای تغاله های آمریکا، که می - کوشند "آمریکا منسی بشود"، یک وظیفه مبرم و حیاتی انقلابی است.

جدول شماره (۱)

۸۷ درصد مقالات میزان

از منابع امپریالیستی

منبع	تعداد مقالات چاپ شده
مجله تایم	۲۲
نیویورک تایمز	۲
ایت دیز	۴
لوموند دیپلماتیک	۲
ال سفیر	۲
المستقبل	۱
آبزرور	۱
نشریه تحقیقی دانشکده علوم سیاسی	۱
پاریس آلترناتیو	۱
نیوزویک	۵
دیگر منابع امپریالیستی	۱۵
الحوادث	۱
مجموع مقالات از منابع امپریالیستی	۵۷
مجموع مقالات	۶۶

جدول بالا تعداد مقالات چاپ شده از منابع امپریالیستی را در "میزان" در ماه های آذر و دی ۱۳۵۹ نشان میدهد.

جدول شماره (۲)

۸۰ درصد مقالات انقلاب اسلامی

از منابع امپریالیستی

منابع	تعداد
ژون آفریک	۴
تایم	۳
روزنامه تایمز	۲
روزنامه گاردین	۱
روزنامه هرالد تریبون	۱
اکونومیست	۱
یواس نیوز اند رپورتر	۱
لوموند	۱
فیکارو	۱
نیوزویک	۸
نول آبزرواتور	۱
لوماتن	۲
دیلی تلگراف	۱
لی اکسپرس	۱
دیگر منابع امپریالیستی	۱۵
مجموع مقالات از منابع امپریالیستی	۴۳
مجموع مقالات	۵۵

جدول بالا تعداد مقالات چاپ شده از منابع امپریالیستی را در ماه های آذر - دی ۱۳۵۹ در روزنامه "انقلاب اسلامی" نشان می دهد.

توانا تر از جنگ و امپریالیسم

در برابر هجوم وحشی صدامیان تجاوزگر چون کوه دماوندمان استوار استاده اند و جان ماهه زندگی خود را بی دغدغه برای دفاع از دستاوردهای سترگ انقلاب در طوق احلاصی نهاده اند.

همین ولولسه های پر شور انقلابی و نهرا سیدن از درنده خویی و دیوانه سری عملی - های صدام در فرو کوبیدن خانه های بی دفاع سر کودکان، زنان و سالخوردهگان ما و بر سر و گردن آبادی ها و شهرها تانوب های سگس دورزن و راکت ها - که احیر از حالت دیلماب - های مقیم تهران پس از دیدار از صحنه های جنگ یک صدام محکوم شد - و به کام مرگ کشیدن گروه گروه از زحمتکشان رنج دیده ما، امپریالیسم جهان حوار آمریکا را سخت آشفته و برپیشان کرده است.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا برای درهم شکستن مقاومت پایان ناپذیر مردم ما و تضعیف رزمندگان حبسه های سرد چاره را در این دیده است که همه نیروهای بی همی خود را در پشت جبهه برگردش در آورد.

دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران نیک میدانند که شکست صدام خاش که هیچ تردیدی در آن نیست، انقلاب جوان مارا در نبرد با امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم در سراسر منطقه توانمندتر و بالنده تر خواهد ساخت. از این رو همه آنها در یک طیف وسیع صد انقلابی که هر یک به انگیزه های در آن گرد آمده اند، رویاروی انقلاب و هدف های عمیق صد امپریالیستی آن ایستاده اند و از هیچ ضداقتی برای میراندن شعله های تابناک شور انقلابی مردم فرود گذار نمی کنند.

اما سرزمین انقلاب هیچگاه بی حجت نمی ماند. تیروی ایمان و اراده، توده های محروم از بندرسته حجت ظفر مندی انقلاب بر صد انقلاب در همه ابعاد آن است و لذات و نوانا تر از المیس جنگ و امپریالیسم راه خود را بدسوی آینده روشن می کشاید.

نبرد حق و باطل، آزادی و اسارت، عدالت و سفاقت، مردمی و ناکردمی در حبسه های گسترده غرب و جنوب غربی سرزمین ما به شدت ادامه دارد.

پایداری و جان بازی انقلابی فرزندان رنج و کار در صفوف سربازان، پاسداران، نیروهای داوطلب بسیج و دیگر نیروهای رزمی، خصم بدکش و زبون رابه ستوه آورده است. در این جا، در ایران زمین، سرزمین رها از استبداد و استعمار، مشت های گره کرده، دوده، اصیل انسان، زحمتکشان میلیونی شهر و ده، همه مستضعفان و محرومان بر فرق دشمن مستکبر و ستعمار - امپریالیسم خوجوار آمریکا و همه اذنبات تهمکار درون و بیرون وی - بلند است. مردم سلحشورمانه تنها به خاطر احساسات شور انگیز میهن پرستانه که خود انگیزه خجسته ای است، بلکه به سائقه رسالت انقلابی شان در دوران رستاخیز خلق ها برای ستردن بنیادی سیادت نواستعماری، در این منطقه از جهان با سپاهیان جرار صدامی درگیر نبردی عادلانه اند. صدام خاش که به انگیزه ناسیونالیسم ارتجاعی و شوونیسم عظمت طلبانه و به سودای فرما تر وایی بر کشورهای حوزه خلیج فارس با بندوبست نهان و آشکار با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و نوکران مارک دار وی در منطقه، رژیم هایی چون رژیم قرون وسطایی عربستان سعودی، اردن و غیره برای خفه کردن انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران به سرزمین ما هجوم آورده می خواست با یک جنگ "برق آسا" مناطق وسیعی از غرب و جنوب غربی کشور ما را به تصرف در آورد و آن را به اوپاشان فراری شاه مدفون بسیار دوسیس با سرنگون کردن نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران، به هدف - های شوم ناسیونالیستی خود و همیاران آمریکایی و ارتجاعی اش در منطقه حامه پیروزی ببوشاند.

اما مردم کوشا و نستوه و قهرمان ما با سر - خورداری از رهبری آز موده و آشتی ناپذیر امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بی هراس از هیولای مخوف جنگ

ماوتزکیه

بقیه از صفحه ۱

سایه عطف بر سر صد انقلابیون " ایرانی" بیفکنند و دشمنان سوگند خورده انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در خاک ترکیه پناه دهد. در واقع، یکی از علل اصلی کودتای شهریور ۵۹ در کشور همسایه ما تنگ کردن حلقه محاصره ایران انقلابی از سوی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه بود، آری، با پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن ایران که بر اثر آن یکی از بزرگترین پایگاه های نظامی، اقتصادی و سیاسی امپریالیسم آمریکا در منطقه فروریخت، و پس از شکست تلاش آمریکا در جهت مسخ انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان و تبدیل این کشور به یک "پایگاه جانشین"، به یکباره ترکیه به یکی از مهم ترین سنگرهای استراتژیک آمریکا و ناتو در خاور میانه تبدیل گشت، خاصه آن که "دکترین کارت" در ۳ بهمن ۵۸ منطقه نفت خیز خاور میانه را "حریم منافع ایالات متحده آمریکا" اعلام کرد و بر عزم امپریالیسم آمریکا برای "دفاع" از آن تاکید و تزیید

به اعتراف "اینترنشنال هرالد تریبون" (۵۸ دی ۵۸) ترکیه "پایگاه سی در صد دستگاه های الکترونیکی ایالات متحده آمریکا علیه اتحاد شوروی" است، به موجب قرار داری که نزدیک به یک سال ونیم پیش میان آمریکا و ترکیه بسته شد "پنتاگون" اجازه استفاده از چهار دستگاه مراقبت الکترونیکی، هفت مرکز ارتباطات و یک فرودگاه هوایی را در ترکیه بدست آورد. شایان ذکر است که در مذاکرات مربوطه این قرارداد خود کنعان اورن شرکت فعال داشته است.

سیاست ضد خلقی و نظامیگری مغرط زمام داران ترکیه، به ویژه پس از کودتای سال گذشته، ترکیه را بیش از هر زمانی به راه تعمت از مقاصد ماجراجویانه امپریالیسم به سرکردگی آمریکا کشانده است. دست کم یک سوم بودجه کشور به مصارف ارتش و پلیس می رسد. سهم هزینه های تسلیحاتی در تولید ناخالص ملی ترکیه ۳۶ درصد بیش از میانگین "ناتو" می باشد، این سیاست، گذشته از آن که تورم شدید و بدهکاری سنگین به کشورهای امپریالیستی را در پی دارد و اقتصاد

ترکیه را به آستانه افلاس می برد، الراماد داخل و خارج با هرگونه حرکت آزادیخواهانه و دموکراتیک، با هرگونه انقلاب صدامپریالیستی در تعارض می افتد، در حقیقت، از یک سو، نقض خشونت بار حقوق اجتماعی شهروندان ترک - به ویژه کارگران و زحمتکشان - که با دستگیری و بازداشت و محکومیت های سنگین و اعدام ها همراه است، و از سوی دیگر، میدان دادن به جولان های صد انقلابی امثال آریانا و برشکپور و دیگران، هر دو از سرشت ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم رژیم کودتایی کنعان اورن سر - چشمه می گیرد.

در نظر داشتن این نکته از آن رومهم است که پرده برخی پندارها را کنار می رند و ما را، در شرایط کنونی، به مراقبت و توجه دقیق به حجات مثبت و منفی مناسبات مان با ترکیه وامی دارد.

به هیچ رو تحمل پذیر نیست که پاره ای عناصر و گروهک های وا زده در تشبثات حسون آمیز و حیانتکارانه شان بر صد نظام جمهوری اسلامی ایران پناهنگاهی در یک کشور همسایه بسازد و از

پشتیبانی زمامداران آن برخوردار باشند. بر وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران است که در این باره به دولت ترکیه هشدار جدی بدهد و آن دولت را از اعمالی که در حالت ناخوشدونی در امور داخلی ما ست و بنیادی ترین اصول حقوق بین الملل منافات دارد بر حذر کند.

ما با ترکیه همسایه ایم و علائق دیرینه بازرگانی و فرهنگی و دینی دولت ما را به هم پیوند می دهد. به ویژه امروز، صرف نظر از تفاوت در شکل و محتوای حکومت، راه ترانزیتی ترکیه می تواند محور همکاری سودمند اقتصادی برای هر دو کشور باشد، و این البته به شرط احترام به استقلال و تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و رعایت اصل برابری و سود متقابل است. سیاست ناسحیده زمامداران ترکیه در مناسبات خود با جمهوری اسلامی ایران، - سیاسی که تنها به دلخواه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا است، نمی تواند امکان این همکاری متقابل سودمند را کاهش دهد و حتی از بین ببرد.

مسئله جنگ و صلح و دوران معاصر (۲)

دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم یک مرحله کامل تاریخی را در بر می گیرد که در این مرحله نیروهای جنگ طلب و صلح جو هم زمان وجود دارند. در سال ۱۹۱۷ تاریخ در برابر بشریت مسئله اشکال موجودیت نخستین دولت سوسیالیستی در جهان و نیز موجودیت هم زمان سیستم سوسیالیسم یا سیستم سرمایه داری را مطرح کرد. کشورهای سوسیالیستی سیاست همزیستی مسالمت آمیز اما بسیاری از کشورهای سرمایه داری سیاست جنگ و مداخله و تحریکات مسلحانه را برگزیدند. در سراسر جهان مبارزه میان ترقی و ارتجاع میان نیروهای جنگ طلب و صلح جو در گرفت. این مبارزه مبارزه ایست خادو خا موش نشدنی. که به مقیاس جهانی و هم در درون سیستم سرمایه داری همچنان جریان دارد. در حال حاضر مبارزه از سوی نیروهای صلح جو در راستای حفظ صلح و تنش زدایی و در راه آن که تنش زدایی به گرایش برتر در سیاست جهانی تبدیل شود و از سوی نیروهای جنگ طلب در راه تشدید تنشجات در مناسبات بین المللی و تخریب در روندهای مثبتی که در سالهای دهه هفتاد پدید آمده، ادامه می یابد. در تصویر نامه ماهه ژوئن سال ۱۹۸۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، درباره "ارزیابی آینده این مبارزه خاطر نشان شده است که: " روند تنش زدایی در حیات بین المللی معاصر برپا شده عمیق دوانده و در این زمینه موجدانی موجود است که بتوان این روند را مطابق با یک گرایش برتر در سیاست جهانی حفظ نمود."

اما از سوی دیگر میلیتاریسم (نظامی گرایی) در بافت دول تجاوز کار بورژوازی برپا شده عمیق دوانده است. اندیشمندان بورژوازی سلطه تری نظامی و ناگزیری جنگ جهانی هسته ای را تبلیغ و ترویج می کنند و سعی در مستدل ساختن قانونیت نیروهای تجاوزگر دارند. ژنرال آمریکا می گراهام در کتاب خود بر عنوان "آیا آمریکا باید پوشش دفاعی داشته باشد؟" مدعیست که جنگ جهانی محتمل است و تدارک برای این جنگ باید آغاز شود.

شهروندان و ارتش های کشورهای سرمایه داری از لحاظ ایدئولوژیکی با تبلیغات همه جانبه کمونیسم ستیزی، شوروی ستیزی، ملت گرایی و نژاد گرایی مغز شویی می شوند. بدین ترتیب مبارزه میان نیروهای جنگ طلب و صلح جو بیگاری است برای تسخیر خرد و قلوب انسانها.

در دوران کنونی امپریالیسم آمریکا مرکز میلیتاریسم جهانی، نیروی ضربتی سیستم سرمایه داری جهانی و تکیه گاه سیاسی و نظامی همه نیروهای ارتجاعی در جهان است.

خطرناکترین کانون تهدید برای صلح در نظام امپریالیسم آمریکا، مجتمع نظامی - صنعتی یعنی اتحاد انحصارات، دستگاه دولتی و قشر فوقانی فرماندهی نظامی آمریکا است. رهبری سیاسی و نظامی کشورهای عضو پیمان ناتو و بیش از همه ایالات متحد آمریکا سال به سال برهنه های نظامی می افزایند، به مسابقه

تفت خود با قیمت های نازل - همه یک هدف را تعقیب می کرد و آن این که پایه نفت قرار گیرد و دولت امپریالیستی و انحصارات عمده نفتی در صاف با "اوپک" به کسب پیروزی استراتژیک ناآل آیند.

عربستان سعودی، بعنوان مرتجع ترین عضو "اوپک" در طول تاریخ ۲۰ ساله موجودیت این سازمان هیچگاه از توطئه علیه "اوپک" و بسود مقاصد دول امپریالیستی باز نایستاده است. با این حال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران توطئه های دولت مرتجع عربستان سعودی علیه "اوپک" به قصد ضرب زدن به ایران انقلابی، دامنه هر چه وسیعتری به خود گرفته است.

عربستان سعودی از ابتدای سال گذشته مسیحی ۱۹۸۰ به افزایش حجم استخراج و صدور نفت خود بخارج اقدام کرده و تولید نفت خود را روزانه از ۸/۵ میلیون بشکه به ۱۰/۵ میلیون بشکه و حتی چنانکه می گویند، به ۱۲ میلیون بشکه، در

روز رسانیده است. با وجود تولید ۱۰/۵ میلیون بشکه در روز، هم اکنون عربستان سعودی ۵۰٪ صدور نفت "اوپک" را خود اختصاص داده، حال آنکه اکثر اعضای "اوپک" در این مدت از استخراج نفت خود کاسته اند و صدور نفت ایران و عراق به حداقل ممکن محدود شده است.

رسیده است؛ "چین واحد با ثبات و طرفدار آمریکا می تواند محور اصلی سیاسی ایالات متحد آمریکا در آسیا باشد". مبارزه میان نیروهای جنگ طلب و نیروهای صلح جو در شرایطی جریان دارد که ترقیات و دستاوردهای دانش و فن از لحاظ مقیاس، عمق و سرعت شگفت انگیز است. بورژوازی انحصاری سلاح هسته ای را برای جاودانی کردن سرمایه داری، برای محو و یا حداقل تضعیف سوسیالیسم و دیگر سروهای انقلابی دوران کنونی وجود آورده است.

بدینسان در برابر تاریخ چنین مسئله ای مطرح گشت، آیا سوسیالیسم واقعا موجود توانایی آنرا خواهد داشت که از خود دفاع کند و بشریت را از خطر نابودی نجات دهد، در حالیکه امپریالیسم، قدرتمندترین نیروی نظامی مجهز به سلاح هسته ای و موشکی را در اختیار دارد؟ در چنین شرایطی اتحاد شوروی بخاطر دفاع از حیات و تمدن بشری ناگزیر بود و مسائل امروزی مبارزه مسلحانه را بوجود آورد.

سیستم اقتصادی سوسیالیسم و توان و ظرفیت علمی آن امکان داد که وسایل امروزی مبارزه ایجاد شود و شرایط مساعد در زمینه سیاست خارجی جهت ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته، تا مین گردد.

جهانیان معتقد شده اند که سوسیالیسم نظامی است که قادر است با نیروی مسلح هم از خود دفاع کند. هم وظیفه تاریخی دوران معاصر یعنی گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم را در شرایط وجود داشتن نیروهای تجاوز کار امپریالیسم، به انجام برساند.

بدین ترتیب هر دو نظام اجتماعی از دستاوردهای ترقیات علمی و فنی برای تحقق بخشیدن به هدف های بنیادی استراتژی سیاسی خود بهره می گیرند؛ امپریالیسم برای تأمین تسلط جهانی و نابودی سوسیالیسم، سوسیالیسم برای تأمین صلح و ترقیات اجتماعی. دوران ما دورانی است که امپریالیسم امکان استفاده

عربستان سعودی با اشباع بازار جهانی سرمایه داری نفت از طریق استخراج و صدور بیش از اندازه، و اصرار و ابرام در پائین نگه داشتن قیمت های نفت در مرز ۳۲ دلار در هر بشکه، طبیعی است که جز ضربه زدن به منافع دول مترقی در "اوپک" و قبل از همه ضرب زدن به انقلاب ایران، هدف دیگری را دنبال نمی کند. همین روش خصمانه عربستان از درون "اوپک" است که کشورهای آفریقایی این سازمان نیجریه، الجزایر و لیبی را در معرض فشار کاهش قیمت های نفت خود قرار داد و آنان را به دعوت اجلاس سیمونونو ناگزیر ساخت.

انتقاد دعوت اجلاس سیمونونو "اوپک"، در زنون با دول مترقی عضو این سازمان بود،

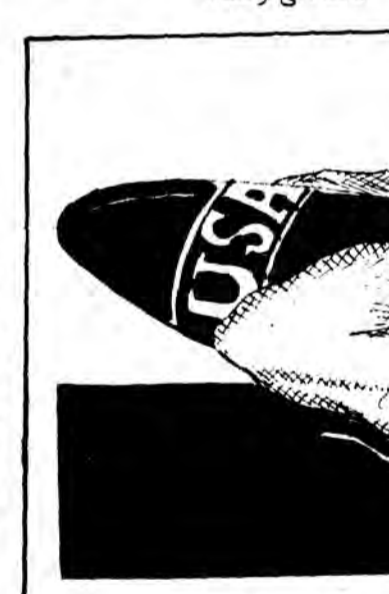
از جنگ بعنوان استراتژی سیاسی را از دست داده است. در نتیجه مسابقه تسلیحاتی قدرت نظامی مطلق امپریالیسم افزوده میشود، اما از لحاظ سیاسی امکانات امپریالیسم کاهش می یابد. امپریالیسم با توسل به جنگ نتوانسته است حتی یک مشکل تاریخی را در مبارزه با نیروهای انقلابی دوران معاصر حل کند. مبارزه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به خاطر استقلال نشان داده است که جنگ جهان سرمایه داری علیه سوسیالیسم وسیله سیاسی با صرفه ای نیست. امپریالیسم با توسل به جنگ موفق نشد نخستین حکومت سوسیالیستی در جهان را نابود کند و مانع پیدایش سیستم جهانی سوسیالیسم گردد.

جنگ علیه جنبشهای رهایی بخش ملی هر روز تاثیر و کار آیی خود را برای امپریالیسم بیشتر از دست می دهد. در این جنگها امپریالیسم هر روز با شکستهای سیاسی و نظامی بیشتری مواجه می شود. شکست هریک از کشورهای سرمایه داری جنبه یک شکست استراتژیکی بزرگ برای مجموعه سیستم سرمایه داری را کسب می کند. امپریالیسم روز بروز کمتر موفق می شود که از راه تهدیدهای نظامی و نمایش قدرت در کشورهای در حال توسعه به هدفهای خود دست یابد.

در عین حال با وجود آزمون های تلخ تاریخی، امپریالیسم از جنگ به مثابه ابزار سیاست بمنظور محو و یا تضعیف سوسیالیسم و مبارزه علیه جنبش انقلاب جهانی صرف نظر نکرده است.

کشورهای جامعه سوسیالیستی در روابط خود با کشورهای سرمایه داری نه تنها برای صلح به مفهوم سیستم روابط بین المللی که در آن از جنگ بعنوان وسیله ای برای اجرای سیاست استفاده نشود، بلکه در راه صلح پایدار و اثبات صلحی که در آن برابری حقوق و عدالت در روابط میان کشورها و خلقها تأمین شده باشد، می کوشند.

روابط خود با کشورهای سرمایه داری نه تنها برای صلح به مفهوم سیستم روابط بین المللی که در آن از جنگ بعنوان وسیله ای برای اجرای سیاست استفاده نشود، بلکه در راه صلح پایدار و اثبات صلحی که در آن برابری حقوق و عدالت در روابط میان کشورها و خلقها تأمین شده باشد، می کوشند.



سند و بیچ آمریکایی

معلوم است که روابط میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه داری دو حالت می تواند داشته باشد، حالت جنگ و یا حالت صلح. حالت صلح میان این کشورها می تواند اشکال مختلف داشته باشد. از "جنگ سرد" گرفته تا اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز، صلح میان کشورهای جامعه سوسیالیستی یک حالت طبیعی و عادی است. با پیدایش

سیستم جهانی سوسیالیسم برای نخستین بار در تاریخ جهان روابط نوینی میان کشورهای جامعه سوسیالیستی پدید آمد که نیازی به سازمانهای نظامی ندارد. این

روابط روابطی است عادلانه، برابر حقوق و برادرانه. در سراسر تاریخ روابط میان کشورها و گروه های از کشورهای سرمایه داری در مراحل که جنگ میان آنها وجود نداشته بصورت صلح مسلحانه بود. با پیدایش جهان سوسیالیسم برای

نخستین بار روابط صلح واقعی میان خلقها برقرار گردید. روابط میان کشورهای سوسیالیستی در حقیقت روابط میان خلقهاست در این روابط توده های عظیم مردم این کشورها، شرکت فعال دارند.

خدمت تاریخی سوسیالیسم در برابر بشریت آن است که دور تسلسل جنگ جهانی - تنفس - جنگ جهانی را که سرمایه داری جهان را به آن محکوم کرده بود، بر هم زد. جهان سوسیالیسم همزیستی مسالمت آمیز را به مثابه عالی ترین شکل روابط میان خلقها به جهان سرمایه داری تحمیل نمود. محتوای همزیستی مسالمت آمیز بعنوان روابط میان کشورها عبارتست از: امتناع از جنگ بعنوان وسیله حل اختلافات، حل و فصل مناقشات میان دول از راه مذاکرات، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، احترام متقابل به تمامیت ارضی و حق حاکمیت، همکاری بر پایه "برابری کامل حقوق و سود متقابل".

در نتیجه عدم پیگیری در سیاست همزیستی مسالمت آمیز از جانب کشورهای سرمایه داری، حالت همزیستی مسالمت آمیز میان جهان سوسیالیسم و جهان سرمایه دچار تزلزل، بی ثباتی و جزرو مدهای می می شود. کشورهای سوسیالیستی همواره می کوشند که به همزیستی مسالمت آمیز شبات بخشند و روند تنش زدایی را مداوم و بازگشت ناپذیر کنند.

(ادامه دارد)

نه بد رستی می خواستند چهره نفاق انگیز عربستان سعودی را افشاء نمایند. اجلاس سیمونونو این چهره را بخوبی آشکار ساخت. لیکن دول امپریالیستی و عربستان سعودی نیز می خواستند ضربه کاری مهمی به "اوپک" وارد آورند و این سازمان را به کاهش قیمت های پایه نفت وادار سازند. می توان گفت که این توطئه، به برکت هشیاری و قاطعیت دول مترقی عضو "اوپک"، بویژه تلاش ثمر بخش دولت انقلابی ایران خنثی گردید و بار دیگر ضربه ناپذیری "اوپک" در برابر حملات امپریالیستی - ارتجاعی از برون و درون به اثبات رسید.

عدم تصمیم گیری مجد در مورد قیمت های پایه ای نفت در زنون محافظان امپریالیستی - ارتجاعی بعنوان بن بست برای "اوپک" ارزیابی و از وجود "بحران" در این سازمان اظهار مسرت می کنند. اما برخلاف این ادعا، بوضوح روشن است که در زنون با دیگر استحکام سازمان کشورهای صادر کننده نفت

گمیسیون های کارگری اسپانیا در راه

دفاع از حقوق اجتماعی کارگران

گام برمی دارند

در " کاخ کنگره های بارسلنا " دومین شهر بزرگ اسپانیا ، چند روز پیش دومین کنگره " کمیسیون های کارگری " (کمیسیون اوپراس) برگزار شد . این بزرگترین سندیکای اسپانیا ، که دیرکل آن مارسلینو کاماچو است ، هزار نماینده را به بارسلنا اعزام داشته بود ، تا درباره استراتژی آن در زمینه تامین حقوق و دفاع از دستاوردهای زحمتکشان اسپانیا در سالهای آینده به بحث و تصمیم گیری بپردازد . کنگره در دورانی برگزار شد که اسپانیا در سخت ترین بحران اقتصادی طی ۵۰ سال اخیر بسر می برد ، تروریسم در راستای ثبات زدایی در اسپانیا عمل می کند و کوشش برای حل مسئله خود مختاری مناطق گوناگون به درازا میکشد . پیش از برگزاری " کنگره بارسلنا " ، مارسلینو کاماچو در مصاحبه ای با روزنامه بزرگ " ال یانکیس " ، ضمن اشاره به کنگره اول " کمیسیون های کارگری " در سال ۱۳۵۷ گفته بود :

" مهم ترین هدف های ما در آن زمان عبارت بود از اولاً کمک به تحکیم دموکراسی و ثانیاً آغاز بی ریختن ساختارهای جدید در این کشور . اسپانیا سندیکایی و تبدیل " کمیسیون های کارگری " - که در شرایط دوران رژیم فرانکو در واقع جنبش سندیکایی متشکل بود - به کنفدراسیونی سندیکایی ، در دوران بعد از کنگره اول بویژه از سال ۱۹۷۹ ، خود را با تعرض سرمایه داران بزرگ علیه " کمیسیون های کارگری " و سیاست راستگرایانه دولت " او.ت.د. " روبرو دیدیم ."

کاماچو افزود :

" در شرایطی بس دشوار و پیچیده - که همه جوابگوی آن نبودیم - " کمیسیون های کارگری " سخت ترین آزمایش دوران حیات خود را با موفقیت به انجام رساندند ."

" کنگره بارسلنا " عزم اعضای " کمیسیون های کارگری " را مبنی بر ادامه پیکار همه مدد در راه حقوق زحمتکشان و هم - پیمایی با اعضای دیگر سندیکاهای اعلام داشت ، نکات اساسی گزارش " کمیته " اجرائی " ، که از سوی کاماچو قرائت شد ، و مضمون اصلی بسیاری از سخنرانی های نمایندگان کنگره و مصوبات آن در شمار " باسندیکایی قدرتمند علیه بیکاری " ، انعکاس می یابد . کاماچو در گزارش خود اظهار داشت :

" ما اکنون طولانی ترین و عمیقترین بحران جهان سرمایه داری را میگذرانیم . بگفته وی ، مبارزه با بیکاری و برای دفاع از حقوق زحمتکشان هر چه بیشتر به وظیفه اصلی اعضای سندیکا

بدل می شود ، برای مقابله با حملات فزاینده به حقوق زحمتکشان و حفظ دستاوردهای آنها ، لازم است که هر چه بیشتر توده مردم را بسیج کرد . در آستانه برگزاری کنگره ، " انستیتوی مرکزی آمار " بیکرهای جدیدی درباره بیکاری در مادرید منتشر ساخت ، بر پایه این بیکر ها ، در اواخر ماه مه ، اسپانیا با ۱/۷۴ میلیون نفر بیکار روبرو داشت ، فعال اسپانیا بدین ترتیب ۱۳/۵٪ سکنه فعال اسپانیا بیکار هستند . بگفته مراکز سندیکایی این آمار رسمی هزاران نفر را ، که دیگر از یافتن کار نومید شده اند و از این رو به نام بیکار ثبت نام نکرده اند ، در برنمی گرد .

کاماچو به اصطلاح " پیمان اجتماعی " را ، که چند روز پیش از کنگره میان سندیکاهای کارفرمایان و دولت به امضاء رسیده بود ، در گزارش خود در شرایط کنونی مثبت " خواند ، وی ، در عین حال ، یادآور شد که اعطاء سندیکا باید هر چه بیشتر مراقب اجرای این پیمان باشد . بر پایه این " پیمان اجتماعی " ، دولت و اتحادیه کارفرمایان متعهد می شوند که به سبب تورم در سال آینده دستمزدها را ۱۱-۹ درصد بالا ببرند ، ۳۵۰ هزار شغل جدید پدید آورند و کمک هزینه بیکاران را افزایش دهند .

کاماچو در بیانات خود تأکید کرد که " کمیسیون های کارگری " خواهان همکاری بیشتری با سندیکای " U.G.T " هستند ، که به " حزب سوسیالیست کارگری اسپانیا " نزدیک است .

دیرکل " کمیسیون های کارگری " درباره مسائل وخیم سیاست داخلی و خارجی اسپانیا گفت :

تروریست ها و کودتاچیان می خواهند طبقه کارگر و خلق را از جادو کنند و از این راه نقشه های خود را درباره نابودی دموکراسی تحقق بخشند ."

کاماچو افزود که باید همه کوشش خود را در راه عقیم گذاشتن این نقشه ها بکار برد ، وی مسئولیت سنگین " کمیسیون های کارگری " را در بیکاری بنگهداشت صلح و تنش زدایی سیاسی و خلع سلاح یادآور شد ، اعضای " کمیسیون های کارگری " مخالف شدید خود را با عضویت اسپانیا در " ناتو " ابراز داشتند و تراکامی مخاطره انگیز خواندند .

" کمیسیون های کارگری " در پایان کنگره " کمیته اجرائی " جدید مرکب از ۴۹ عضو انتخاب کردند . کاماچو بار دیگر به سمت دیرکل برگزیده شد ،

در شناخت امپریالیسم معاصر (۱۲)

اسلوب های کسب سود انحصاری

استثمار فزاینده طبقه کارگر

استفاده می کنند ، در موسساتی که به انحصارات تعلق دارند ، نو سازی فنی یا بطور کلی مکانیزه و اتوماتیزه کردن تولید نه تنها با افزایش بهره وری کار بلکه با شدت کار همراه است . هر دو عامل اضافه سود های قابل ملاحظه ای برای انحصارات فراهم می آورند ، در بسیاری موارد ، انحصارات بدون نو سازی تکنیک های خود بر شدت کار می افزایند .

در عصر سرمایه داری پیش از انحصاری شدت کار مخصوصاً از راه کنترل بسیار شدت کار کارگران و افزایش ماشین های که کار آنها موقوف به صرف نیروی جسمانی کارگران بود و استفاده از سیستم کار مزدی تحقق می یافت . انحصارات ضمن حفظ اسلوب های قدیمی آنها را با اسلوب های جدید درمی آمیزند . رایج ترین آنها شدت دادن کار زنجیری (در مورد کار زنجیری) یا سرعت بخشیدن به آهنگ عمومی کار در همه بخش های تولید است . در موسساتی که انحصاری شده اند از کرونومترها ، ابزارهای الکترونیک و غیره برای اندازه گیری فعالیت ها استفاده می کنند ، هنگامی که کارگری اندکی وقت تلف کند جریمه گاه حتی اخراج می شود .

خصلت شدت کار بطور قابل ملاحظه تغییر یافته است ، در گذشته ، شدت کار عموماً مبتنی بر افزایش مصرف نیروی عضلانی بود ، بنا بر سطح فعلی تکنیک ها ، شدت کار می تواند بصورت افزایش مصرف کار عضلانی تحلی نکند ، در عوض ، می بینیم که تشنج عصبی بالایی رود . و این از بدترین اشکال شدت کار است و تأثیر بسیار زیان بخشی بر نیروی کار دارد .

انحصارات برای افزایش استثمار می کوشند از اسلوب های استفاده کننده که خاطره اسلوب های افسانه ای شده قدیمی را در یاد ها زنده سازند و روابط سرمایه دار و کارگر را با هر انسانی جلوه دهند . از این رو ، در ایالات متحده سیستم های سوئی تینگ (۱) کلاسیک تیلور ، گانت ، روان و هالسی بتدریج متروک مانده اند ، با وجود این ، سیستم هایی که جانشین آنها شده اند و بسیار آزادبخشانه به نظر می آیند امکانات بیشتری برای شدت کار فراهم آورده اند . چنانکه در کشورهای امپریالیستی کار ، که در چارچوب " روابط انسانی " در واحد زمان انجام میگردد نسبت به اشکال قدیمی کار ، مزدی بر شدت کار بیشتری تکیه دارد . در بسیاری موارد ، شدت کار به حدی است که با هیچ بهبود شرایط زندگی کارگران جبران نمی شود ، به بیان دیگر ، به نیروی کار به خاطر حداکثر سود لطمه وارد می آید . افزایش بیماری های قلبی - عروقی و عصبی و ازدیاد حوادث کار در نزد کارگران شاهد گویایی بر این مدعاست .

سیستم های کار مزدی که امروز نیز نقش مهمی دارند ، تحول محسوسی یافته اند . سیستم های جدید سوئی تینگ که مبتنی بر کار مزدی هستند ، بنا بر بغرنجی زیاد از حیث محاسبه ، نورم ها و محاسبه مزد و غیره از یکدیگر متمایزند . این با سازمان کردن وظیفه کارگران که می خواهند آن را در مزدهایشان روشن تر ببینند فاصله دارد و به انحصارات امکان می دهد که سیاست بکلی خود - مختارانه ای در زمینه دستمزدها در پیش گیرند . هدف سیستم های جدید (" ارزیابی تحلیلی کارها " ، " مشارکت کارگران در سودها " ، کار مزدی گروهی و غیره) فراهم آوردن امکان لازم برای انحصارات است که به موهبت تشدید بی قیاس کار ، کلان ترین اضافه سود ممکن

منشاء سود انحصاری اضافه کار و بخش مهمی از کار لازم زحمتکشان برای تولید مادی است که توسط انحصارات تصاحب می شوند ، سلطه انحصارات موجب استثمار بسیار زیاد کار در قلمرو تولید می گردد . انحصارات پیش از هر چیز تلاش می کنند که کمیت اضافه کار را افزایش دهند ، برای این کار آنها به اسلوب های می پردازند و از این راه اضافه ارزش مطلق و نسبی کسب می کنند . آنها در جستجوی اضافه سود مبالغ هنگفتی صرف بهبود شکل های سازماندهی تولید و پژوهش های علمی کرده و به خرید دیپلم های جدید فنی دست می یازند .

مداحان امپریالیسم می کوشند به طبقه کارگر بیاورند که تکنیک های جدیدی که جانشین کار انسان می شوند و راز استثمار می رها کنند و برای کسانی که صاحب این تکنیک ها هستند ، سود های هنگفتی ببار می آورند ، زیرا در کارخانه های که مکانیزه شده اند ، حداکثر دو یا سه نفر به نامین خدمات می پردازند ، اما سود های حاصله بسیار هنگفت اند . و از آن نتیجه می گیرند که اندیشه مارکس که طبق آن سود های سرمایه داران تنها از استثمار کارگران حاصل می شوند کهنه شده است .

پس ، سود های هنگفت صاحبان موسساتی که بطور عالی مکانیزه و اتوماتیزه شده اند از کجا سرچشمه می گیرند ؟ نخست این که صاحبان این موسسات یک اضافه سود از اختلاف موجود بین قیمت های تولید خود و قیمت های موسساتی که دارای تجهیزات فنی متوسط - اند ، بدست می آورند . در این حالت آنها بخشی از اضافه ارزش کارگران موسساتی را که فاقد تجهیزات فنی پیشرفته ترند تصاحب می نمایند .

دوم این که اعتلای بهره وری کار با برقراری سلطه انحصارات به کاهش متقابل قیمت ها منجر نمی شود . از این رو ، حتی هنگامیکه تکنیک های جدید وسیع تر موسسات سرمایه داری مورد استفاده قرار می گیرند و به تبع آن ارزش اجتماعی کالاها تقلیل می یابد ، سود هایی که انحصارات بدست می آورند در سطح بسیار بالایی باقی میماند . سوم این که در یک موسسه به طور عالی مکانیزه تنها کارگرانی که مستقیماً در عملیات تولیدی مشغول کارند در تولید کالاها شرکت ندارند ؛ زیرا هر قدر سطح فنی بیشتری ضرورت می یابد ، یک تولید بطور عالی مکانیزه بدون موسسات و آزمایشگاه های پژوهش علمی مختلف و نیز بدون افزایش شمار کارگرانی که در آنها مشغول فعالیت اند غیر قابل فهم است .

بنابراین ، هنگامی که انحصارات به فنون جدید متوسل می شوند ، میزان استثمار بالایی رود و تعداد زحمتکشانی که توسط انحصارات مورد استثمار قرار می گیرند بجای کاهش فزونی می یابد . به عبارت دیگر بر حجم اضافه ارزشی که انحصارات بدست می آورند افزوده می شود . بنابراین کوشش های انحصارات برای پیشرفت تکنیک تنها یک هدف را تعقیب می کند و آن دست یافتن به سود های بسیار هنگفت است .

شدت دادن کار اسلوب بسیار متداولی برای کسب اضافه سود انحصاری است ، انحصارات برای واداشتن کارگران به کار بیشتر در واحد زمان و افزایش مقدار محصولات تولیدی از شیوه های مختلف

راه جنگ آوردند . در عین حال هدف آنها روبرویی با شکل و اتحاد پرولتاریا است . این سیستم ها بعنوان مظهر روابط بشری " ، " مشارکت اجتماعی " و غیره معرفی می شوند .

در موسساتی که انحصاری شده اند از نیروی کار خارجی در کارهای بسیار دشوار و زیانمند وسیعاً استفاده می کنند . مثلاً در جمهوری فدرال آلمان در ۱۹۷۳ تقریباً ۲ میلیون کارگر مهاجر عمدتاً از ترکیه ، یونان ، اسپانیا و ایتالیا مشغول کار بودند . آنها در صنعت ۱۴٪ و در ساختمان ۲۵٪ نیروی کار کارگران را تشکیل می دادند ، بطور کلی این زحمتکشان که مردهایی کمتر از متوسط دریافت می دارند (چنانکه مزد آنها در آلمان ۴۰٪ مزد واقعی کارگران آلمانی است) از بسیاری مزایا محروم اند و در شرایط بسیار سختی زندگی می کنند .

بورژوازی در توصیف موقعیت کارگران مهاجر حتی از آنها به عنوان " سیاهان اروپا " سخن می گویند . انحصارات آلمان غربی ، انگلیسی ، فرانسوی و غیره در پرتو استثمار این زحمتکشان اضافه سود های هنگفتی بدست می آورند . به علت سلطه انحصارات ، نو سازی فنی ، پیشرفت های بهره وری کار و شدت کار به انحصارات امکان می دهند که اضافه سود کلانی بدست آورند و آن را به منع ثابت سود های انحصاری بدل کنند .

سرمایه انحصاری با شدت دادن کار و بالا بردن بهره وری آن استثمار طبقه کارگر را افزایش می دهد . طبق محاسبه اقتصاددانان شوروی در حال حاضر در ایالات متحده نرخ اضافه ارزش در صنعت تبدیل مواد تقریباً ۳۵۰٪ است . شدت کار ارزش نیروی کار را فزونی می دهد و در این صورت باید با افزایش متناسب مزد همراه باشد . با وجود این ، در واقعیت مزایا مطلقاً فزونی نمی یابد ، یا به نسبت - هایی کمتر از شدت ناگزیر کار افزایش می یابد .

علاوه بر اضافه ارزشی که به وسیله کارگران مزد بگیر تولید می شود ، انحصارات بخش مهمی از ارزش نیروی کار را به خود اختصاص می دهند فزونی اضافه جمعیت نسبی به کاهش مزد در قبال ارزش نیروی کار کم می کند . هیچکس ارزش کالایی نیروی کار را در دنیای سرمایه داری معین نمی کند . با وجود این ، آنچه که آن را حداقل معیشت یک خانواده متوسط آمریکایی می نامند ، محاسبه می کنند . طبق آمار رسمی در آغاز دهه ۷۰ درآمد سالانه یک چهارم خانواده های آمریکایی دوبار کمتر از حداقل معیشت بود . درآمد خانوادگی سالانه بیش از ۳۰ میلیون آمریکایی تقریباً سه بار کمتر از سطح معیشت است . طبق آمار که توسط انستیتوی بروکینگز تهیه شده ۲۰٪ آمریکایی ها (قشرهای خیلی فقیر) اکنون تنها ۳/۲٪ درآمد ملی ایالات متحده را در اختیار دارند . حال آنکه ۲۰٪ آمریکایی های دولت مند ۴۶٪ درآمد مذکور و ۵٪ جمعیت آمریکا ۱۹/۱٪ آن را به خود اختصاص داده اند .

۱- سوئی تینگ کار دشوار یا مزد کم . در این سیستم مزد بر اساس مقدار تولید یا خدمت داده می شود .

شرکت فعال در نبرد عادلانه بر ضد تجاوز رژیم صدام یک وظیفه انقلابی است!

شاه ملعون بالاخره جانشین شایسته خود را پیدا کرد

روزنامه کوبایی "گرانما" در نوشته ای دنگ شیائو پینگ : جانشینی شایسته برای شاه می نویسد :

پس از سفر موفقیت آمیز " الکساندر هیگ به پکن " که در جریان آن برتری جوان چینی پشتیبانی کامل خود را از نقشه های امپریالیسم ایالات متحده در هندوچین اعلام داشتند ، اکنون آشکار شده است که دلالتان " پکن " حداقل از دو سال پیش تاکنون برای امپریالیست های ایالات متحده جاسوسی می کنند .

" گرانما " به نقل از شبکه تلویزیونی " ان . سی . سی . آمریکا ، گزارش می دهد :

" ایالات متحده همکدم ایستگاه سری جاسوسی مستقر در خاک چین آزمایش های موشکی اتحاد شوروی را زیر نظرمی گیرد . . . این ایستگاه ها را ایالات متحده احداث کرده است و کارشناسان چینی که نزد یانکی ها آموزش دیده اند در آنها اشتغال دارند . این همکاری در زمینه جاسوسی در سال ۱۹۷۹ بر پایه

قراردادی محرمانه با دولت کارتر آغاز شد " گرانما می افزاید :

" همه شواهد حاکی است که پس از سرنگونی شاه ایران نوکر وفادار امپریالیسم ، برتری جوان چینی بر بیدرنگ خواست یانکی ها را مبنی بر انتقال تجهیزات جاسوسی آنها از ایران به چین ، پذیرفتند . همه کسی دانند که امپریالیست ها از چندین پایگاه جاسوسی ضد شوروی در ایران برخوردار بودند . در حالیکه گزارش " ان . سی . سی " چند ساتور آمریکا می گوید ، که به چین سفر کردند ، از دنگ شیائو پینگ اجازه تاسیس این پایگاه ها را خواستند " واشنگتن پست " معتقد است که این پیشنهاد خود دنگ شیائو پینگ بوده است .

روزنامه کوبایی در پایان می نویسد : " حيله های پکن " که امکان رسوا می شود و دنگ شیائو پینگ نشان می دهد که در اجرای ماموریت های کیفی امپریالیست های یانکی جانشین شایسته ای برای شاه است ."

حذف ...

بقیة از صفحه ۱

امر توزیع آن گامی است جدی در راه کوتاه کردن دست واسطه ها و بسی تک اندامی است در جهت تعمیق انقلاب و تقویت جنبه مردمی آن. لکن این هدف مردمی و انقلابی تنها با تدوین برنامه مشخصی که حاوی یک سلسله تدابیر معین و مستحیبه اقتصادی، اداری و سازمانی و سیاسی باشد، حقیقی یافتنی است. دشواری کار در اتحاد و اجرای چنین تدابیری است.

اشکال و شیوع عمل دلالان و واسطه ها فوق العاده متنوع است. در واقع دلالی و واسطه گری آنگاه با سیستم تولید و توزیع جامعه مادر آمیخته که حذف آن به سادگی و تنها بر اساس بست خیر و سود دستور العمل های خشک اداری میسر نیست، جاده سود های هنگفت ناشی از واسطه گری به حدی بود و هست که، چه قبل و چه مخصوص بعد از انقلاب و تا سوخته موجود بیگاری شدید، هزاران نفر از مردم بی حجر و سبوت لحال با فراهم کردن مختصر سرمایه به روسا ها میروند، انواع محصولات زراعی را مستقیماً از تولید کنندگان میخرند و به نرخ های بالا در بازار عرضه می کنند و باز ردگی را بر روی شاه زخم گنجان سنگین و سنگین تر می کنند و خود نیز لقمه های نه دست می آورند. علاوه بر موارد بسیاری، افرادی از مردم محروم ده تبدیل به بادوی واسطه های متوسط و بزرگ می شوند و از راه کمک به دلالی امرار معاش می کنند. اما در همه حال سود های هنگفت تنها و تنها نصیب واسطه های بزرگ می شود و خرد و یاها تنها حصر به دل باقی می ماند.

تا این ترتیب و با توجه به برخی مشکلاتی که برای حصول موفقیت در امر خرید و توزیع برنج توسط دولت، تدوین برنامه و اتحاد یک سلسله تدابیر اقتصادی اداری، سازمانی و سیاسی ضرورت قطعی دارد. در سطح سرمایه باید سه نکات زیرین توجه داشت:

در زمینه تدابیر اقتصادی

- ۱- در تعیین قیمت خرید محصول برنج باید هزینه تمام شده محصول و سود مختول برای تولید کننده را در نظر داشت.
- ۲- اعطای اسباب و واگذاری امکانات می و مادی لازم و کافی است تا تولید کنندگان برنج آنگاه شرایطی را فراهم شود که تولید کنندگان بطور عموم

باید عمل ...

بقیة از صفحه ۱

ایفا کردند. به روس ترین و مرخصه ترین حوض مطرح میسازد. برای آنچه توده های عظیم خلقی با تحمل نامراد سپاه و آگاهانه های عظیم طی دو سال و بعداً خبر انجام دادند و از آگاهی عمیق و اراده بی ترنزل آنها حکایت میکند، سر او را هرگز به ستایش است. پیروزی حتمی مرحله انقلاب را مردم با هفتاد هزار شهید و دهها هزار مجروح و معلول تحقیر بخشیدند. آنها در همه جا با سینه های گشاده به روبروشی با ساواک و ارتش شاه ملعون برخاستند و قدرت را از کتفان خدایانکار سرور آوردند. اما دشمنان با همه وسوسه ها و رشوه ها و تالیلهای آمریکا همه حایه خرابکاری برخاستند و آماج اصلی توطئه های خود را تضعیف جنبه انقلاب و رهبری انقلاب، به منظور منح و سپس سرکوب انقلاب قرار دادند.

در روستاها فتوایها و بزرگ مالکان، آتش برهستی دهقانان زحمتکش و انقلابی زدند و دسته های اشرار راه حان آنها انداختند. تفاله های آمریکا که در حاکمیت نفوذ کرده بودند، با همه توان خود دو سال و نیم از تحقق خواست اصلی دهقانان زحمتکش، یعنی اجرای اصلاحات ارضی بنیادی معانت کردند. دولت موقت یک فتوای را که میگوید "شهر و دهکده آمریکا" بود، بر راس وزارت کشاورزی گذاشت. گروهی از روحانیون که پیوند عمیق با نفوذ الهی دارند، اصلاحات ارضی را "غیر شرعی" خواندند و سپس بنی صدر رواند او سزیه آنها پیوستند. از سوی دیگر گروه های چپ نما و چپ رو و عوامل صدام انقلاب تلاش کردند، تا تمام این اعمال صدام انقلابی و صدهائی را به پای بیرون خط امام و رهبر انقلاب بگذارند و دهقانان را از انقلاب نا امید سازند و به مقابله با حاکمیت انقلابی بکشاند.

احزاب، جمعیت ها و گروه ها:

توطئه ضد انقلاب را درهم شکنیم!

کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران "پیرو کنگره چهارم" طی اعلامیه "هشدار دهنده ای درباره فعالیت ضد-انقلاب در کردستان و آذربایجان می-نویسد:

انقلاب ایران از با مداد پیروزی با توطئه های رنگارنگ امپریالیسم و مادی داخلی اش مواجه بوده است. یکی از میدان های حادثه فریبی و توطئه چینی ضد انقلاب کردستان و آذربایجان است.

ماه ها است حزب دموکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) به مردم کردستان، به هموطنان، به پادشاه های انقلابی و بد دولت مردان هشدار داده

انگیزه کافی برای فروش محصول به دولت را باخته. یک نکته بیچیده و ظریف در اس مورد است که اعطای اسباب و واگذاری امکانات باید به نحوی باشد که همه تولید کنندگان شوق به فروش محصول خود به دولت شوند و در عین حال از لحاظ دریافت امکانات و اسباب و مادی، نظیر سوخت و روغن موتور، سم و کود، قطعات یدکی و ماشین آلات و ... تا کشاورزان خرد و یا اولویت برخوردار گردند. باید بین فروش محصول برنج توسط تولید کننده به دولت و دریافت کمک ها و تسهیلات دولتی که در کنار رابطه متقابل و مشروط بر قرار گردد.

۳- فعالیت بی ضابطه و سود حوا به من خصی در زمینه عرضه و تولید، قطعات یدکی و ماشین آلات کشاورزی خانه داده شود، تا کشاورزان مواد ضروری تولید را به قیمت گزاف بدست آورند و هزینه های تولید بی-حمت و بی رویه افزایش یابد.

۴- کمک به تشکیل و گسترش شبکه های تولید و فروش برنج، با شرکت داوطلبانه، نالیکاران.

۵- بر آورد دقیق از میزان تولید و مقدار مصرف برنج در کشور و تأسیس کسودان از طریق واردات و توزیع آن صرفاً از طریق دولت و توسط شبکه تعاونی.

۶- ایجاد و گسترش شبکه توزیع

از توطئه های شیطانی دشمنان داخلی که در ارتباط با رژیم های دیکتاتوری و ارتجاعی منطقه امپریالیسم جهانی اند برده برداشته است. صفحات روزنامه "کردستان" شاهد گویای این امر به شمار می آید.

مدت ها است اعلام داشته ایم که متأسفانه کردستان به نقطه امید کلیه نیروهای تبدیل شده است که با همدستی رژیم های واپس گرا و وابسته می خواهند انقلاب صدامپریالیستی و مردمی ایران و خند بوری اسلامی را از درون مملکتی سازند. بار خاطر توطئه مشترک عوامل آمریکا، بحیار، اشرف، آریانا، اویسی و دیگر افسران فراری، مساله همدستی فتوادل-

دولتی و تعاونی در شهرها، به نحوی که قادر باشند امر توزیع عادلانه برنج و سایر کالاها را سازمان دهند.

در زمینه تدابیر اداری و سازمانی

در اتخاذ تدابیر اداری و سازمانی باید همواره توجه داشت که این واسطه ها و دلالان عمده هستند که می باید در مرحله نخست تحت فشار قرار گیرند. زیرا که هر گونه فشار بی رویه و غیر اصولی به تولید کنندگان خرد و فروشندگان جزیره برای مجموعه برنامه مناسج منفی و مضر به بار خواهد آورد.

برای جلوگیری از فعالیت واسطه ها و دلالان عمده، ایجاد سازمان و سیستم نظارت و کنترل دولتی بر تولید و خرید و توزیع برنج، همکاری سازمان های دولتی با تعاونی های تولید و فروش و توزیع، گسترش شبکه موسسات دولتی برای واگذاری به موقع امکانات مادی و فننی لازم و کافی به تولید کنندگان و خرید به موقع محصول برنج و هم چنین اعمال محازات های سنگین برای عمده خرداران و فروشندگان قاچاق برنج ضروری است. برای اتخاذ این تدابیر باید از نهادهای انقلابی به ویژه سپاه و جهاد استفاده گردد تا کمک و همکاری مردم، اعم از مصرف کنندگان شهری و تولید کنندگان ذیتفع، نظارت دقیقی را بر

های وابسته نظیر جهانگیر دری و دیگر خان و فتوادل های ترک و کرد، توطئه با ندفاسلو و گروهک های هرج و مرج-طلب در کردستان و آذربایجان رایا-د آورده و متذکر گردیدیم که سفارت آمریکا در آنکارا، یکی از مراکز توطئه-جینی علیه انقلاب ایران است.

رویداد هفته های اخیر صحت نظرات ما را به اثبات رسانید. خیرهای واصله حاکمیت طی روزهای گذشته قریب دو هزار نفر مسلح از گروه های وابسته به باند فاسلو، سلطنت طلبان، مزدوران خان های مرتجع کرد ترکیه، کولمبو و جوان مردان وابسته به جبهاتشیر دری، از

سه جهت به رفق و هواداران ما در منطقه، سلسله هجوم برده تا با توفیق، جس و قتل آنها، از یک سو منطقه را از وجود طرفداران انقلاب "پاکسازی کرده و از سوی دیگر با اشغال منطقه حساس سلسله توارمزی ایران و ترکیه را تحت کنترل خود در آورند و راه ترانزیتی ایران -

حسن اجرای آنها تأمین کرد.

در زمینه تدابیر سیاسی

عمده ترین بخش تدابیر سیاسی عبارت از فعالیت همه جانبه تبلیغی و توضیحی در بین کشاورزان و همه مردم است، بخصوص که می توان پیش بینی کرد

که تبدیل وجود برخی تردید ها و ابهامات و نا آگاهی ها، بعضی اعمال مضر و پدیده های ناسالم مانند عدم تحویل برنج، فروش، قاچاق آن و در

بین فروشندگان خرد و متوسط مشاهده گردد. اهمیت فعالیت تبلیغی و توضیحی در این زمینه دقیقاً در همین حاست. با

یک جوب راندن کسانی که آگاهانه و به قصد ضرر زدن به اقتصاد کشور در این برنامه اختلال می کنند، و افراد مردم و نا آگاهان میان های حیران ناپدید بر پیکر انقلاب وارد می آورد. باید توجه کرد که با کار توضیحی و تبلیغی وسیع در

بین توده های دهقان، می توان قسمت مهمی از این پدیده های ناسالم را که ناشی از تردید و نا آگاهی است، از میان برد.

باید بدانیم که تولید کنندگان و توضیح داد که وجود و ادامه کار واسطه ها و دلالان بزرگ تا چه حد به منافع

ترکیه راقطع و زمینه را برای تحت کنترل در آوردن آذربایجان هموار سازند.

درگیری های دوروز اخیر مقدمه اجرای این نقشه شوم است و در اثر آن سیزده نفر از بیرون و هواداران ما ربوده شده، مفقود گشته و یک نفر هم به نام ملا رضا شهید گردیده است. تلفات مهاجمین نفر گشته و وعده های زخمی است.

ماضین هشدار مجدد به دولت - مردان، نهادهای انقلابی و نه نیروهای مدافع انقلاب، خواستار هشجاری هم-آهنگی و وحدت عمل همه نیروهای راستین و وفادار به انقلاب علیه نیروهای ضد-انقلابی هستیم. دوران تردید، بدبینی نسبت به نیروهای صدیق انقلابی سیری شده است. انقلاب تنها به حزب و قشر و سازمان منحصر به فردی تعلق ندارد. باید با احساس مسئولیت از همه نیرو-هائی که آماده حاسازی در راه انقلابند حمایت کرده تقویت نموده و آنان را تنها نگذاشت.

محرومان زبان رسانده و می رساند اید با افتخار ماهیت خائنه سرمایه-

داران و واسطه های عمده، به مشابه یکی از پایگاه های اقتصادی و سیاسی

امپریالیسم، و تبلیغ برنامه های مردمی دولت همسراه با انجام اصلاحات

اقتصادی و اجتماعی بنیادی به نفع زحمتکشان، بنحوی که علائم و آثار آن-ها را بطور روزمره و عمومی دریابند.

انبوه تولید کنندگان را به کرد انقلاب و برای دفاع از آن تجهیز نمود و فعالیت واسطه ها و دلالان بزرگ را خنثی کرد.

در شرایط کنونی، که مردم نتایج مثبت و انقلابی طرح های ستاد بسج

اقتصادی کشور را عملاً دریافت نماند، زمینه عینی و ذهنی برای برداشتن گام های باز هم بلند تر از هر وقت دیگری آماده تر است. انبوه کارگران و دهقانان

وزحمتکشان شهرورده خواهان و پشتیبان اینگونه اقدامات مردمی دولت هستند.

با قاطعیت، سرعت، و هوشیاری ضربات باز هم بیشتری بر پیکر سرمایه داران بزرگ، مالکان متعمر و تحار و واسطه های عمده فرود آوریم و انقلاب را به پیش تازانیم.

دفاع کند. در بروز لیبرال ها، سازشکاران و تفاله های

آمریکا، که بدلیل فقدان هشجاری لازم و بی-تحریکی مسئولان انقلابی، احسا و آحاد در حاکمیت انقلابی نفوذ کرده بودند، می توانستند اقدامات انقلابی و مردمی را متوقف سازند و فلج کنند. امیرا توده های مردم خیلی خوب دریافتند، و به همین دلیل تا بیرون زدن قطعی آنان صحنه را ترک نکردند و پیروزی نیروهای خط امام را تثبیت کردند.

اما امروز که نیروهای سازشکار و صدام انقلابی به قدرت بر دم و قاطعیت رهبری انقلاب به طور عمده از امکان خرابکاری و کارشکنی از بالا محروم شده اند، غلغل در انجام هر چه سریعتر اقداماتی به سود مردم و در جهت کاستن بار دشواری های زندگی آنها، امری است که هیچگونه عذری آنرا موحه نمی دارد. آنها همچنان در صحنه اند، تا خواست های آنان تحقق یابد.

برای انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران، هیچ راهی به جز پیروزی وجود ندارد. توقف بر این امر است. برای حفظ نیروی عظیم خلق در جانب انقلاب، که تا به حال بارها و بارها در لحظات حساس و سرنوشت ساز آنرا از شر توطئه های خطرناک رهائی بخشیده است- هیچ راهی جز انجام سریع اقداماتی که ثمرات ملموسی به سود خلق ببار آورد، وجود ندارد. این ضرورت مرم و حاد لحظه است.

میلیونها دهقان در انتظار زمینی هستند که در آنها با سر نیزه شاهنشاهی عصب شده است. میلیونها کارگر خواستار زندگی حداقلی هستند، که چند صد غارتگر بازار و زالوی سرمایه دار، به سود کبسه گشاد حرص و آز خویش، آنها را از آن محروم ساخته اند.

همه مردم زحمتکش ایران خواستار کار، مسکن، بهداشت و فرهنگ هستند، تا در ایران مستقل و آزاد، از زندگی انسانی بهره مند گردند. باید عمل کرد!

دفاع کند. در بروز لیبرال ها، سازشکاران و تفاله های آمریکا، که بدلیل فقدان هشجاری لازم و بی-تحریکی مسئولان انقلابی، احسا و آحاد در حاکمیت انقلابی نفوذ کرده بودند، می توانستند اقدامات انقلابی و مردمی را متوقف سازند و فلج کنند. امیرا توده های مردم خیلی خوب دریافتند، و به همین دلیل تا بیرون زدن قطعی آنان صحنه را ترک نکردند و پیروزی نیروهای خط امام را تثبیت کردند.

اما امروز که نیروهای سازشکار و صدام انقلابی به قدرت بر دم و قاطعیت رهبری انقلاب به طور عمده از امکان خرابکاری و کارشکنی از بالا محروم شده اند، غلغل در انجام هر چه سریعتر اقداماتی به سود مردم و در جهت کاستن بار دشواری های زندگی آنها، امری است که هیچگونه عذری آنرا موحه نمی دارد. آنها همچنان در صحنه اند، تا خواست های آنان تحقق یابد.

زحمتکشان شهر و ده به هیاهوهای ضد انقلابی، که همه مفاسد لیبرال ها و سازشکاران و غارتگران را نتیجه سیاست بیرون صدیق خط امام و رهبر انقلاب وانمود میگردند، گوش فرادادند و به راهی که رهبر انقلاب در پیش پای آنها می نهاد، گام نهادند.

به پشتوانه حمایت این نیروی عظیم و آگاه و فداکار بود که لانه حاسوسی آمریکا تخریب شد. دولت موقت ساقط شد. امیران نظام ها و قطب زاده ها افشا و طرد شدند. لیبرال ها آبرو باختند. بنی صدرها گریختند، توطئه رهبری صدام انقلابی "مجاهدین خلق" برای ایجاد جنگ داخلی عظیم ماند و صدام در با تلاق های خوزستان متوقف شد. آری، خلق "کار خود را صد درصد خوب انجام داد". همه دشواری ها را متحمل گشت، تا حاکمیت انقلابی بتواند تفاله های آمریکا و نیرو-های ضد خط امام را از صحنه براند و خط امام بر حاکمیت سیاسی تسلط بلا منازع یابد.

دوم: مردم تنها به حرف و شعار بسنده نکردند. آنها عمل کردند. اگر در گذشته به واسطه خرابکاری و کارشکنی سازشکاران و باند بنی صدر برای تأخیر در تحقق خواست های زحمت-کشان عذری وجود داشت، اکنون دیگر هیچ عذری پذیرفتنی نیست.

مردم حق دارند که به پاس استقامت و فداکاری خود که پیروزی خط امام را بر تمام خطوط انحرافی و ضد انقلابی تأمین کرد- از دولتی که آنرا برمسند نشاند هاند، طلب کنند که آن نیز به عمل بپردازد و از حقوق آنها در مقابل غارتگران و دستگران که زیر چتر حمایت رهبران خطوط ضد خط امام علیه انقلاب و علیه مردم توطئه میگردند- دفاع کند، به زحمتکشان شهر و روستا نشان دهد که در اعتماد بی تزلزل خویش به انقلاب و خط امام به خطا نرفته اند و باید که همچنان بدون کمترین تزلزل با شور و فداکاری بیدریغ، از انقلاب در مقابل دشواری ها و توطئه های عظیمی که در راه است،

اماد هتخان زحمتکش، تمامی این تحریکات را عظیم گذارند. گرسنگی کشیدند و بایس نهادند. با یک دست سلاح راه سوی تجاوزگران صدامی نشانه رفتند و با دست دیگر گندم کاشتند. آنها بدینسان امیدهای دشمنان انقلاب را به یاس بدل ساختند. نغاله های آمریکا کارخانه ها را به ویرانی کشاندند. اقتصاد بیمار و وابسته از همه سو ترک برداشت. سنگاری حدت و شدت بی سابقه یافت. اردولت موقت گرفته تا بنی صدر و باند ضد انقلابی او، همه و همه به تلاش برای احیای اقتصاد وابسته پیشین برخاستند. گروه های چپ و ماوچرپ و ریز، چون قارچ که بر مفاسد میروید، به میان بیکاران، گرسنگان و کارگرانی که گراسی، وضع معیشتی آنها را به وحایت بی ساخته کشاند، نبود. روان شدند، تا آنها را، همانگونه که امپریالیسم می خواست، علیه حاکمیت انقلابی، یعنی بیرون صدیق خط امام، بشوئارند.

اما طبقه کارگر ایران، بسی آگاهتر از آن بود که احاز به دهد حوادثی که در شبیلی رخ داد، در ایران انقلابی تکرار شود. کارگران گرسنگی کشیدند و بایس نهادند، هر جا که به آنها نیاز بود، از تسخیر لانه حاسوسی آمریکا گرفته ناپشتیبانی قاطع از رهبران انقلاب، در مقابل سازشکاران و خائسین شدند و سرانجام در جانبازی برای دفاع از میهن، همه جا چون سربازی حاضر شوند. طبقه کارگر ایران نه فقط در سرنوشتی رژیم مغفور شاه نقش درجه اول ایفا کرد، بلکه در نا امید ساختن تفاله های آمریکا، که بخشی از حاکمیت پس از انقلاب را تصرف کرده بودند، نیز از هیچ فداکاری فروگذار نکرد.

غارتگران بازار با حمایت سیاستمداران لیبرال دولت موقت و بنی صدر و باندش، که بهترین اهرم های اقتصادی را در دست خود متمرکز کرده بودند، چندین برابر بیش از دوران پیش از انقلاب، دسترنج چینی مردم زحمتکش را به بیغما بردند و از گرانی بیش از حدی که خود ایجاد کرده بودند، دهها برابر فرجه تر شدند. اما

سیاست خارجی

بهاره صفحه ۱

۲۹ مرداد ۶۰ در روزنامه‌ها منتشر شد (مطالبی درباره سیاست خارجی بیان داشت . این برنامه ، که در آن "موردی" از مشی کلی سیاست خارجی ذکر شد ، همراه با مصاحبه های نامبرده ، که توضیح بیشتری از مشی سیاست خارجی بدست می دهند ، مجموعاً بیانگر مشی سیاسی جدیدی است ، که قطع نظر از برخی ابهامات (خصوصاً در برنامه ارائه شده) ، بطور کلی مثبت و سازگار حرکت سیاست خارجی مبتنی بر اصل استقلال و در جهت مبارزه " پیگیر با امپریالیسم ، سرکردگی آمریکا و حفظ و تحکیم و تقویت انقلاب صد امپریالیستی ، مردمی و اسلامی ایران و استقلال جمهوری اسلامی ایران است . در عین حال بطریقه اهمیت فوق العاده نقشه کشی که سیاست خارجی می تواند و باید برای کسب پیروزی در مبارزه سرسخت ساز با امپریالیسم ، سرکردگی آمریکا ، و در عمیق انقلاب و رشد مستقل کشور سیاست خارجی مشروحا و دقیقاً تدوین و تصویب نگردیده ، مابجای دانیم ، بطرانی را در زمینه سیاست خارجی بیان داریم ، به این امید که مورد توجه قرار گیرد .

آقای موسوی ، وزیر امور خارجه در مصاحبه خود گفته است که ، "مادر اهداف کلی ، اروپای غربی را از آمریکا حدانمی دانیم . آنها منافع استراتژیک واحدی دارند و بیمنای نظامی و اقتصادی بین اروپا (غربی) و آمریکا و اتحاد موضعگیری های متاهل آنها (آنها) نشان دهنده این مسئله است . ولی آنها در حوزه ها و عرصه های فرعی شاید با هم اختلاف منافعی داشته باشند"

این گفته آقای وزیر امور خارجه عین واقعیت است که در برنامه دولت با بیان واقعیت مهم دیگری تکمیل شده ، آنجا که در برنامه تصریح شده :

"در حال حاضر آمریکا بعنوان "شیطان بزرگ" بزرگترین دشمن انقلاب اسلامی و مانع اصلی در راه به بارشستن کامل آن است"

عبارت دیگر ، دولت آمریکا ، دولت های امپریالیستی اروپای غربی و نیز کانادا ، ژاپن و استرالیا ، که مجموعاً امپریالیسم جهانی را تشکیل می دهند و اصطلاحاً "غرب" نامیده می شوند ، سرکردگی آمریکا - "شیطان بزرگ" ، دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اند .

اکنون که گفته آقای موسوی ، "خط گرایش به غرب رده شده" ، و وزارت امور خارجه از جنگ لبرالها خارج گردیده - و این پیروزی انقلابی بسیار بزرگی است - با قرار دادن مشی کلی وزارت امور خارجه بر محور مبارزه با "غرب" ، یعنی با امپریالیسم ، سرکردگی آمریکا ، جمهوری اسلامی ایران می تواند جدای شایسته ، خود را در جهان متحد کند ، احترام تمام خلق ها و دولت های برآمده بر ضد امپریالیسم را بخود جلب نماید یا موفقیت توطئه های آمریکا و متحدانش را خنثی کند و در راه تحکیم انقلاب و استقلال کشور اقدامات متورم و برخی بعمل آورد .

آقای موسوی ، ضمناً به دو نکته در دست دیگر در زمینه ، روش کار سیاست خارجی اشاره کرده است ، اگر بدرستی رعایت و اجرا گردند ، کار او شریخش خواهند بود .

یک نکته اینست که :

"ما به هیچ وجه در جهت قطع رابطه خود با جهان خارج حرکت نمی کنیم" ، و از سیاست داشتن "ارتباطهای وسیعی با جهان خارج" یا "حفظ اصل سازش ناپذیری پیروی خواهیم کرد" نخست وزیر نیز در مصاحبه خود افزوده است که :

"اساس روابط ما با دنیا روابط خصمانه نیست" و تصریح کرده است که :

"ما قاطع در مقابل امپریالیسم ایستاده ایم" .

این سیاست درستی است . ایستادگی قاطع در برابر امپریالیسم و برقراری "ارتباطهای وسیع" با هر کشوری که چشم طمع به استقلال ما نداشته باشد ، در عمل با کشورهای دوست و خواستار تحکیم استقلال ما ، با کشورهای که حاضر باشند بر منای ساختن و احترام مقابل به استقلال ، عدم مداخله در امور داخلی بکند ، برابری حقوق و سود متغایلا عادلانه ما ، ارتباط برقرار کنند و بدین سان روابط حسنه و ارتباطی وسیع با ما داشته باشند ، ممکن خواهد بود ، به کشورهای امپریالیستی و متحدان آنها ، که تن به سازش ناپذیری ما نمی دهند ، مگر آن که ما را بی نیاز از خود ببینند . این سیاست در دست را چندی قبل آیت الله منتظری نیز با این عبارت بیان داشتند :

"ما با هر کشوری که سعی نکند خود را بر ماتمیل کند و یا مارا استعمار کند ، دوستی خواهیم داشت ، مانعی خواهیم دور خود را دیوار بکشیم و میان خود و دیگران حدایی ایجاد نمائیم . ولی اسلام با افرادی که علیه آن توطئه می کنند ، مبارزه می کند" (روزنامه جمهوری اسلامی ، ۲۷ تیر ماه ۱۳۶۰) .

نکته دیگری که آقای موسوی در مصاحبه خود درباره روش کار سیاست خارجی بدان اشاره کرده است ، لزوم بهره گیری از "اختلاف منافع" بین دولتهای امپریالیستی و نیز از "تصادفها و تناقضها" در "جنبه استکبار" است . این نکته را آقای موسوی چنین بیان داشته است ،

"آنها (دولتهای اروپای غربی و آمریکا ، که منافع استراتژیک واحدی دارند) در حوزه ها و عرصه های فرعی شاید با هم اختلاف منافعی داشته باشند که فقط در مورد اروپای غربی و آمریکا مطرح نیست ، بلکه در سراسر جهان ، شاهد یک نوع شفافها و حدائی ها در جنبه استکبار هستیم"

من فکری کم در یک سیاست خارجی فعال نتوانیم از تصادفها و تناقضها بهترین بهره ها را بگیریم .

استفاده از اختلاف منافع ، شفافها و حدائی ها و تصادفها و تناقضها بین دولت های مختلف بود حکیم استقلال و رشد مستقل کشور ما شیوه کار مفیدی است ، بشرط آنکه با دقت و بر منای اصل مبارزه با امپریالیسم ، سرکردگی آمریکا ، و با توجه به ساخت دوست از دشمن بکار سته شود . استعمال اصطلاح گنگ و مبهم "استکبار جهانی" - به نظر ما - نشان می دهد که در این زمینه هنوز دقت کافی بعمل نیامده و شناخت دوست و دشمن بر مبنای شناخت اصول سیاست دولتهای امپریالیستی و صد امپریالیستی ، و بر مبنای عمل خصمانه دولتهای امپریالیستی و عمل دوستانه کشورهای صد امپریالیستی نسبت به جمهوری اسلامی ایران ، هنوز در جا راهام است .

مفهوم "جنبه استکبار جهانی" چیست ؟ اگر منظور از "جنبه استکبار" علاوه بر دولت های امپریالیستی ، کشورهای متحد و زیر سلطه و گوش فرمان امپریالیسم ، نظیر دولتهای اسرائیل و مصر و عربستان و عمان و ترکیه و پاکستان و نظائر آنها است ، آنگاه واضح است که بین این دولت ها شاید "اختلاف منافعی" در "حوزه ها و عرصه های فرعی" و نه استراتژیک ، بوجود آید ، که قابل بهره برداری باشد . ولی اگر منظور از "جنبه استکبار جهانی" هم "غرب" و هم "شرق" است ، آنگاه باید گفت که چنین "جنبه" واحدی در جهان وجود ندارد زیرا واقعیت موجود این است که ، اگر "غرب" همان "جنبه استکبار" بر ضد مستضعفین جهان است ، "شرق" ، بر عکس ، در موضع حمایت از مستضعفین و در بریدی آشتی ناپذیر با امپریالیسم ایستاده است ، و در نتیجه بین این "غرب" و "شرق" تضادها و تناقضات "استراتژیک" اندونه برور "اختلاف منافع" در "حوزه ها و عرصه های فرعی" ، بنا بر این ، اگر این واقعیت موجود در نظر گرفته شود ، بین استفاده از "اختلاف منافع" موضعی و فرعی در جنبه "غرب" ، یا استفاده از تضادها و تناقضات اصولی موجود بین "شرق" و "غرب" ، تفاوت ماهوی بزرگی مشاهده خواهد شد . ما از آن "اختلاف منافع" موضعی و فرعی ، که گهگاه بین دولت های جنبه "غرب" یا "جنبه استکبار" بوجود می آید ، باید بتوانیم استفاده کنیم ، در عین حال که باید بدانیم آن "اختلاف" موقت و این استفاده گذرا و مقطعی است ، ولی استفاده از تضاد و تناقضهای "شرق" و "غرب" باید بر مبنای اولاً این شناخت باشد که ، این تضادها و تناقضها اصولی ، آشتی ناپذیر ، "استراتژیک" اند ، و ثانیاً بین خود ما با "غرب" تضاد و تناقض اصولی آشتی ناپذیر و "استراتژیک" است ، و لذا این استفاده می تواند بصورت همکاری و برقراری "ارتباطهای وسیع" مبتنی بر حفظ استقلال برای مبارزه با دشمن مشترک - امپریالیسم ، سرکردگی آمریکا - باشد ، که رشد مستقل جمهوری اسلامی ایران در گرو پیروزی در این مبارزه است .

اصولاً به نظر می رسد که هنوز ابهاماتی در تفسیر شعار "نه شرقی ، نه غربی" باقی است . لیبرالها ، چنانکه می دانیم ، کوشیدند محتوای این شعار را "موازنه منفی" قلمداد کنند آنها کوشیدند در پشت شعار "نه شرقی ، نه غربی" خود را پنهان کنند و سیاست "موازنه منفی" را اجرا کنند . دعوی آنها این بود که هم "شرق" و هم "غرب" ، با بطور خلاصه "دو ابر قدرت" (هم آمریکا و هم شوروی) دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اند . عرض آنها این بود که از این مواضع ، شوروی و "شرق" را مطرح کنند ، تا بتوانند ابتدا آمریکا و "غرب" را "منفی" کنند (به فراموشی بسیاری) ، تا سپس بتوانند آب رفته "غرب" را به حوی بار گردانند . استدلال آنها این بود که هر "دو ابر قدرت" ، یعنی هم "شرق" و هم "غرب" ، دشمنند ، ولی چون شوروی (شرق) ملحد است و آمریکا (غرب) "موحد" پس باید با این "موحد" علیه آن "ملحد" همکاری کرد . دستور برزیسیکی نیز ، که لیبرالها اجرا می کردند ،

این بود که ، روابط را با شوروی تیره کنید ، تا رژیم خمینی "تضعیف و آسیب پذیر گردد" و راه برای بازگشت آمریکا "موحد" باز شود . پیام کارتر نیز ، که هنوز معلوم نیست چگونه بدست قطب زاده رسیده بود ، این بود . بیائید علیه دشمن مشترک (۱) همکاری و مبارزه کنیم .

این خط آمریکائی ، با مبارزه های سرسخت ، زیر رهبری مدبرانه امام ، شکسته شد و اکنون دیگر ، بگفته آقای موسوی ، "زودوده شده" است .

پس مضمون شعار "نه شرقی ، نه غربی" ، "موازنه منفی" نیست ، شعار "نه شرقی و نه غربی" ، ناظر به حفظ استقلال کشور ، تا مین رشد مستقل کشور ، برهیز از هر گونه وابستگی به هر کشوری ، اعم از "غربی" یا "شرقی" است ، و به این معنی شعار درستی است . این شعار با این مفهوم راه دوستی را با آن کشورهایی که ، بر خلاف کشورهای "غربی" ، دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیستند و یادست دوستی به سوی ما دراز می کنند ، نمی بندد و نباید بندد . اعم از اینکه این کشورها سوسیالیستی باشند یا غیر سوسیالیستی . اگر برای شعار "نه شرقی ، نه غربی" مفهومی غیر از خط "حفظ استقلال" قائل شویم ، اگر آنرا چنین تفسیر کنیم که گویا "شرق" هم مانند "غرب" دشمن ما است ، آنگاه دیگر حتی نخواهیم توانست از "تصادفها و تناقضهای" اصولی ، آشتی ناپذیر و "استراتژیک" ، که بین "شرق" و "غرب" وجود دارد ، استفاده کنیم ، چه رسد به استفاده از همکاریهایی که "شرق" حاضر است با ما ، برای تحکیم استقلال ما و تقویت ما در مبارزه علیه امپریالیسم ، داشته باشد .

ممکن است سؤال شود که : "شرق" چه منفی دارد که انقلاب و استقلال ما را تقویت کند ؟ پاسخ روشن است ، مادام که انقلاب ماضی - امپریالیستی است ، مادام که استقلال و رشد مستقل ما ، کشوری به اهمیت ایران را از دایره نفوذ و رسوخ امپریالیسم رها می کند ، برای "شرق" که در مبارزه حیاتی و معنایی با امپریالیسم است ، این تضعیف امپریالیسم به معنای تقویت انقلابها و جنبش های ضد امپریالیستی استقلال طلبانه ، به معنای تقویت استقلال و رشد مستقل کشورها است ، و از این رو است که پشتیبانی از کشورهای مستقل از جمله کشور ما - در مبارزه استقلال - طلبانه علیه امپریالیسم سلطه جو بسود "شرق" است ، در عین حال که به سود ما نیز هست .

انقلاب اسلامی ایران بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در ایران ، که ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با اتحاد شوروی دارد ، و بران ساخت و این فی نفسه خدمت بزرگی به اتحاد شوروی و "شرق" بشمار می آید . در نتیجه چه کسی می تواند انکار کند که لافاقل برای جلوگیری از بازگشت آمریکا به ایران ، اتحاد شوروی و "شرق" حاضر به حمایت از انقلاب و استقلال ایران اند ؟

در هر حال ، امروز دیگر خط آمریکائی لیبرالها - خط سازش ضد انقلابی با "غرب" که پشت سکه قلب آن ایجاد تیرگی مصنوعی در مناسبات با "شرق" بود ، شکسته و زودوده شده است ، این خود پیروزی بزرگی است که حالا دیگر خط سیاست خارجی ماضی آمریکا است و ما بگفته آقای موسوی ، اروپای غربی را نیز از آمریکا جدا نمی دانیم . این پیروزی بزرگی برای مشی سیاست خارجی ما است ، که می خواهیم با کشورهای مختلف جهان مناسبات برقرار کنیم ، و این مناسبات باید چنان برقرار شود که ، بگفته نخست وزیر : "به اصالت انقلاب اسلامی ایران و اصل استقلال لطمه نزنند" و ، بر عکس ، "ما با هر گونه رابطه سیاسی - اقتصادی ، که منتهی بشود به این که استقلال ما را از بین ببرد و ما را وابسته نماید مخالفیم" .

این گفته نخست وزیر نیز که : "مواضع سیاسی ما بر اساس نه شرقی ، نه غربی و بر اساس استقلال استوار است" ، ضمن اظهار اینکه ، قطع نظر از برخی انتقادات نسبت به سیاست شوروی ، "ما با شوروی روابطی حسنه داریم و این رابطه را هم ادامه خواهیم داد" ، نشان می دهد که شعار "نه شرقی ، نه غربی" مضمون واقعی و اصل خود را ، که همان حفظ و تحکیم و استقلال است ، کسب می کند ، و اگر هنوز ابهاماتی در مفهوم آن باقی است ، این ابهامات در جریان تجربه و عمل بیشتر ، برطرف خواهد شد .

ما امیدواریم که در آینده مبانی و اصول سیاست خارجی ما بر مبنای مواد قانون اساسی در قالب عباراتی خالی از هر گونه ابهام ، چنان تنظیم و تدوین و تصویب گردد که ، تحرک کنونی آن را بیشتر ، دایره ابتکار و فعالیت آنرا وسیع تر و شریخش تر و قویتر سازد .

شناخت جهان ، چنانکه هست ، شناخت "شرق" و "غرب" چنانکه هستند ، شناختن هر کدام از "ابر قدرت" چنانکه هستند ، شناخت محتوای نبرد عظیمی که مقیاس جهان بین "شرق" و "غرب" جریان دارد ، شناخت جای مادر میدان این نبرد عظیم ، می یابد ، منای تدوین سیاست

دستاوردهای ارزنده اتیوپی در زمینه بهداری

ایجاد پایه های خدمات ابتدائی بهداری یکی از برجسته ترین وظایف عمرانی انقلاب اتیوپی است . هفت سال پیش و پس ماندگی این کشور ۱/۲ میلیون کیلومتر مربعی در "شاخ خاوری" آفریقا دهشت انگیز بود . در این کشور ، که امروز در حدود ۳۰ میلیون نفر جمعیت دارد ، در آن هنگام تنها ۲۵۰ پزشک وجود داشت . از این شماره ، نزدیک بهیمی از آنها در آدیس آبابا ، اسمارا و حرار متمرکز بودند ، که کمتر از ۵ درصد مردم اتیوپی در آنها زندگی می کنند . حدس زده می شود که تا آن وقت ۸۵-۸۰ درصد مردم هیچگاه پزشکی به چشم ندیده بودند .

در هفت سال اخیر ، دولت انقلابی گام های بزرگ در راه مقابله با این عقب افتادگی برداشته است : چهار سال است که هر ساله در دانشگاه پایتخت ۱۲۰ دانشجو تحصیلات پزشکی خود را آغاز می کنند . سال پیش شماره آنها به ۶۰۰ افزایش یافت . برنامه آموزشی طوری تنظیم شده است ، که بویژه نیازمندی های روستاها را تامین کند .

پزشکانی که در آینده در دهات به کار مشغول خواهند شد ، باید هم به مداوای باصلاح "بیماریهای معمولی" آشنا باشند و هم بتوانند ، بدون وسایل فراوان ، به جراحی های فوری بپردازند . فزون بر این ، بسیاری از اتیوپیایی ها در دانشگاه های کشورهای سوسیالیستی به تحصیل در رشته پزشکی اشتغال دارند . برای گسترش هر چه سریع تر سکه خدمات ابتدائی پزشکی هر ساله ۲۰۰ کابون پزشکی ایالتی و ۲۰۰۰ یایگاه بهررسی محلی احداث می شود و در چار چوب دوره های کوتاه و متوسط دستار ، پرستار پرسل آزمایشگاه و غیره آموزش می ببندد . قرار است که در عرض ۱۰ سال همه سکه روستایی ، که ۹۰ درصد جمعیت اتیوپی را تشکیل میدهند ، از خدمات ابتدائی در زمینه بهداری برخوردار شوند . مقامات رسمی اتیوپی کوشش می کنند تا هسته عقلایی طب سنتی را نیز در این برنامه منظور دارند .

در اتیوپی بیماریهایی چون سل ، امراض چشم ، پوست و تناسلی ، جذام ، حصه ، دیفتری ، سیاه سرفه ، فلج و کزاز از همه بیشتر رایج است و در حدود ۸۰ درصد همه بیماران بر می گرد . از اینرو برنامه بزرگی استراتژیک وزارت بهداری اتیوپی بویژه بر پایه مبارزه با این بیماریها مبتنی است . این برنامه - ریزی در درجه نخست روشنگری در زمینه بهداشت بدن ، تهیه آب آشامیدنی و مسائل مربوط به زباله و حشرات مودی را در بر می گیرد . در برنامه های سواد آموزی برای کلاسهای به مسائل نامبرده توجه فراوان مبذول می شود .

پس از آنکه دو سال پیش آلبه کلی در اتیوپی از میان رفت ، اکنون موفقیت های همانندی در زمینه مبارزه با سل ، مالاریا ، تراخم و جذام بدست می آید . کودکان ، که میزان مرگ و میر آنها هنوز بسیار بالاست ، در برنامه پیشگیری از بیماری از اولویت ویژه برخوردار می شوند . هنوز بیش از نیمی از اتیوپیایی ها به هنگام مرگ در سین صفر تا پنج سالگی هستند .

خارجی ما ، بر اساس اصل استقلال ، قرار گیرد . ماباخرسندی مشاهده می کنیم که خط آمریکا از سیاست خارجی ما "زودوده" شده و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهت حرکت آغاز کرده ، که بتواند نقش شایسته انقلابی خود را در حفظ و تحکیم انقلاب و رشد مستقل کشور ایفاء کند .

مادر آینده نیز کوشش خواهیم کرد تا در زمینه سیاست خارجی ، که عرصه عمل فوق العاده مهمی است ، و نسبت به تصمیمات و عملکرد مشخص سیاست خارجی در موارد مشخص ، تا آنجا که مقدور ما باشد ، اظهار نظر کنیم ، به این امید که این اظهار نظرها مورد توجه قرار گیرد .

وقایع مهم جهان در یک هفته

تهاجم گسترده رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی خشم جهانیان را برانگیخت

افزایش فعالیت‌های جاسوسی غرب در لهستان

یکی از معاونان وزارت کشور لهستان کشورهای غربی را به گسترش فعالیت‌های جاسوسی خود علیه لهستان متهم کرد. به گفته وی، آنها از "توریست"ها و کارمندان سفارت‌خانه‌ها، کنسولگری‌ها و دیگر نمایندگی‌های خود در این زمینه استفاده می‌کنند.

ولادیسلاو پوزوگا، معاون وزارت کشور لهستان، در مصاحبه‌ای با "تریبونالودو" افزود: "بویزه نمایندگان ایالات متحده فعالیت‌های پرتب‌وتابی از خود نشان می‌دهند. کشورهای "ناتو" ارتباطات خود را با "همبستگی" به سطح مناسبات دولتی "ارتقاء" بخشیده‌اند. در وزارت خارجه این کشورها ستادها و برای ارتباط با "همبستگی" دایر شده‌است. رهنمودها و دستور العمل‌های سازمانهای جاسوسی خارجی و کانون‌های خرابکاری توصیه می‌کنند که با نقش رهبری حزب مقابله شود. در جامعه "سوسیالیستی بی‌نظمی پدید آید و به وحدت کشورهای سوسیالیستی خلل وارد آید."

معاون وزیر کشور خاطر نشان ساخت که پیوند میان نیروهای محاصم داخلی و خارجی هر چه بیشتر نمایان می‌شود.

فدراسیون سندیکایی جهان:

بزرگ سرمایه‌داری بجای مقابله با بیکاری خواهان تنش فزاینده است

فدراسیون سندیکایی جهانی "زحمتکشان جهان را به "وحدت عمل علیه بیکاری و در دفاع از حق کار" فراخواند.

در بیانیه "فدراسیون" آمده است: "بیگ‌بی‌زینین (بزرگ سرمایه‌داری) بجای مقابله با بیکاری به تسریع مسابقه تسلیحاتی می‌پردازد. این مسئله به ویژه در پرتوتصمیم‌برزیدنت ریگان

است، که سازمان ملل باید گام‌های سریعی در راه خروج نیروهای مسلح آفریقای جنوبی از آنگولا بردارد.

معمرفدافی، رهبرلیبی، آمادگی کشور خود را "برای هرگونه کمک به آنگولا برای دفع تجاوزکاران" ابراز داشت. نماینده ناظر "کنگره ملی آفریقا" (آفریقای جنوبی) در سازمان ملل یادآور شد، که اقدام "پرتوریا" از حمایت ایالات متحده، که در راه تنش‌فزایی گام برمی‌دارد، برخوردار می‌گردد.

در این میان، آنگولا آفریقای جنوبی را متهم کرد، که خواهان ایجاد "تواری از زمین سوخته" در مرز با نامی می‌است. به گزارش آنگولا بسیاری از غیرنظامی‌های آنگولایی قربانی تهاجم گسترده آفریقای جنوبی شده‌اند.

کوبا خواستار قطع قوری تجاوز آفریقای جنوبی و خروج نیروهای آن از آنگولا گردید. در اعلامیه رسمی، که در هاوانا انتشار یافت گفته می‌شود که دولت و مردم کوبا دوش‌دوش خلق آنگولا علیه تجاوزگران "پرتوریا" خواهند رزمید.

رابرت موگابه، نخست‌وزیر زیمبابوه، اخطار کرد که "دوستان آنگولا نمی‌توانند در قبال آدم‌کشی و تخریب نژادپرستان بی‌تفاوت بمانند."

سرانجام نماینده آمریکا در شورای امنیت به پیروی از سیاست "تروریسم بین‌المللی ریگان" اعلامیه، شورای امنیت را در محکومیت تجاوز رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به آنگولا و توگرد.

آفریقای جنوبی چنانکه از نقشه‌های تجاوز-کارانه‌سان از سوی امیراللیست‌های جهانی و نیروهای ارتجاعی پشتیبانی نمی‌شد، هیچگاه حرات چنین حمله‌ای را به آنگولا نمی‌داشتند.

"تاس" افزود: "اتحاد شوروی همبستگی خود را با آنگولا، که با آن قرارداد دوستی وهم-کاری دارد، نائید می‌کند و خواستار قطع قوری تجاوز و خروج نیروهای مهاجم از آنگولاست."

در این میان، نیروی هوایی آفریقای جنوبی شهرنحوار در جنوب آنگولا را به شدت بمباران کرد. خبرگزاری آنگولا "آگوب"، که این خبر را منتشر ساخت، همچنین از درگیری سرخ‌خانه در این منطقه ما مدخله‌گران سخن گفت. مردوران خارجی نیز دوش‌دوش به دوش نیروهای آفریقای جنوبی در آنگولا می‌جنگند.

آنگولا خواستار اخلاص فوق‌العاده شورای امنیت برای بررسی تجاوز آفریقای جنوبی شد.

رومای جمهور نجره و کنیا در اعلامیه‌ای مشترک تجاوز آفریقای جنوبی را محکوم کردند و از جامعه "بین‌المللی خواستند تا علیه رژیم آپارتیید به تحریم بپردازد.

"کنگره سندیکاهای" بریتانیا خواهان تحریم فروش نفت به "پرتوریا" شد. آندریاس پایاندریو، صدر "جنبش سراسری سوسیالیستی یونان"، تاکید کرده

بسیار تهاجم گسترده "نیروهای آفریقای جنوبی به آنگولا، ادوآردو دوش سانتوش، رئیس‌جمهور آنگولا، تجاوز جدید "پرتوریا" را به کشور خود محکوم کرد.

وی در پیامی به فیدل کاسترو رئیس جنبش غیرمتعهدها، و دانیل آراب موی، رئیس سازمان وحدت آفریقا، تاکید کرد که تجاوز جدید نیروهای "پرتوریا" صلح منطقه و امنیت بین‌المللی را بحظر انداخته‌است.

ادوآردو دوش سانتوش خواستار هرگونه اقدام ممکن برای قطع مدخله‌شدن وزارت دفاع آنگولا گزارش داده است که ارتش به مقاومت شدید در برابر واحدهای رزهی آفریقای جنوبی مشغول است. کهروردوشبه ۲ شهریور ۶۰ به آنگولا حمله کردند. نیروی هوایی آفریقای جنوبی ارتحاورکاران حمایت می‌کند. آفریقای جنوبی در حدود ۴۵ هزار سرباز در مرز آنگولا در سرزمین ابعالی نامی بنا متمرکز ساخته‌است.

اتحاد شوروی حمله آفریقای جنوبی را به آنگولا به شدت محکوم کرد. در سایه‌ای، که "تاس" منتشر ساخت، گفته می‌شود:

"رژیم آفریقای جنوبی بار دیگر کشورهای مستقل آفریقا و سراسر جامعه جهان را به مبارزه طلبیده‌است. هدف از اقدام "پرتوریا" مقابله با دستاوردهای انقلابی خلق آنگولا و نیت زدایی حکومت مترقی آن کشور است. حکمرانان

بمب نوترونی خطر جنگ هسته‌ای را

افزایش می‌دهد

وی در مصاحبه‌ای در تلویزیون شوروی در روز چهارشنبه ۴ شهریور ۶۰، گفت که این سلاح برای اروپا در نظر گرفته شده‌است، ولی امکان دارد که در جای دیگر نیز بکار رود.

وادمز اگلادین خاطر نشان ساخت تصمیم آمریکا بر پایه خیال برتری طلبانه آن در قبال اتحاد شوروی مبتنی است، ولی "هیچگاه به این هدف دست نخواهد یافت. اتحاد شوروی در برابر شانناز تسلیم نخواهد شد و سیاست صلح وحل اختلافات را در پشت میز مذاکره کماکان دنبال خواهد کرد."

در استنکلم نظارهات وسیعی در برابر سفارت آمریکا برگزار شد. قطنامه این نظارهات مردم اروپا را فراخواند تا از تولید بمب نوترونی جلوگیری کنند و با تروریسم هسته‌ای ایالات متحده به مقابله برخیزند.

در روز ۱۲ سازمان جوانان از دولت ترور خواسته‌اند تا در اجلاس آینده "شورای ناتو" مخالفت خود را با بمب نوترونی ابراز دارد.

ایلیای دوم، یکی از رهبران بر-جنه "شورای جهانی کلیساها" گفت که "بمب نوترونی مطلقاً غیر انسانی است، چون پیش از همه، هدف آن کشتن انسان‌هاست."

در فرانسه صدها هنرمند برجسته بنایه‌ای علیه تصمیم ریگان درباره تولید بمب نوترونی امضا کردند. ارحمله‌امضا کنندگان بنایه می‌توان از اروه‌مازن و آرمان سالاکرو (نویسنده)، مارینا ولادی (هنرپیشه) و سرزجیانی (خواننده) نام برد.

استف مانتسون (تکراس)، که در شهری سردیک یکی از کارخانه‌های بمب نوترون سازی زندگی می‌کند، کارکنان این کارخانه را فراخواند تا از تولید این جنگ‌افزار اجتناب کرده‌ای دست‌بردارند و به جنبش اعتراضی علیه تصمیم نوترونی برزیدنت ریگان بیبوندند.

در برابر حه افغانستان تصمیم ریگان را درباره تولید بمب نوترونی "اقدامی در جهت تنش‌فزایی" خواند. رهبران بلغارستان و لائوس در دیداری در وارا (بلغارستان) اعلام داشتند که: "تصمیم درباره تولید کلاهک‌های نوترونی بار دیگر ماهیت ماحراجوانه‌سیاست "واشنگتن" را به نوت می‌رساند."

روزنامه "میدوآرپررو" (اسپانیا) خاطر نشان می‌سازد: "در خاک اروپا هر آن تولید جنگ‌افزارهای نوترونی ممکن است. در شهر بوردو (فرانسه) نظارهات عظیمی در برابر کنسولگری آمریکا و در اعتراض به تصمیم ریگان برگزار شد.

در جمهوری فدرال آلمان، رئیس سازمان "سوسیالیست‌های جوان" تصمیم ریگان را "تخریکی گستاخانه علیه خلق-های اروپا" خواند.

ارنوی دیگر، وادمز اگلادین، یکی از مسئولان بلند پایه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت که تصمیم برزیدنت ریگان درباره آغاز تولید بمب نوترونی "خطر جنگ هسته‌ای را افزایش می‌دهد."

کشف اجساد بی‌سردر السالوادور

در السالوادور در نزدیکی سانتا آنا ۱۷ جسد بی‌سر پیدا شد. گروه فاشیستی "گردان مرگ" مسئولیت این جنایت فحیح را عهده گرفت، که از تشویق بیدریغ "خوستا" بهره‌مندی شود. بر پایه اظهارات کلیسای این کشور در حدود ۲۲ هزار نفر در ۲۰ ماه گذشته قربانی ترور "خوستا"ی وابسته به آمریکا گردیده‌اند.

تنها در سه‌روز هفته پیش ۱۲ السالوادوری به قتل رسیدند. یک حسنگوی وزارت خارجه آمریکا ناآید کرد که دولت ریگان چندین هلیکوپتر نظامی در اختیار "خوستا"ی السالوادور گذاشته‌است. این هلیکوپترها حاشین هلیکوپترهایی خواهد شد، که از سوی مبارزان السالوادوری سرنگون گردیده‌است.

پیشنهادهای جدید و سازنده دولت افغانستان

برای رفع اختلافات با ایران و پاکستان

شاه محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان، گفت که کشورش آماده‌است تا برای حل مسائل منطقه با پاکستان و ایران به گفتگو بپردازد. وی در کنفرانس مطبوعاتی در کابل اظهار داشت که حضور نیروهای محدود اتحاد شوروی در افغانستان موفت‌است. این نیروها، بر پایه پیمان دوستی میان افغانستان و اتحاد شوروی، به کشورش دعوت شده‌اند.

به گفته شاه محمد دوست، هنگامیکه اشرا داخلی و ضد انقلاب خارجی از فعالیت‌های خرابکارانه خود دست‌بردارند، این نیروها افغانستان را ترک خواهند گفت.

از سوی دیگر، سلطان علی کشتمند نخست‌وزیر افغانستان، دولت پاکستان را متهم کرد، که برای خودداری از مذاکره درباره اختلافات خود با افغانستان به مانور دست می‌زند. وی در مصاحبه‌ای با "تاس" گفت که کشورش حاضر است در باره هر مسئله‌ای با پاکستان و ایران بر پایه دو جانبه، سه‌جانبه و همه‌جانبه گفتگو کند.

عناصر جدید در پیشنهاد افغانستان آنستکه حضور دپیرکل سازمان ملل متحد و نماینده او را در مذاکرات ممکن می‌سازد.

سلطان علی کشتمند گفته‌است که "علیرغم دسیسه‌های نیروهای امیرالیستی و همدستان آنها، کشور برنامه توسعه اقتصادی خود را اجرا می‌کند. وی در کنفرانس مطبوعاتی در کابل اعلام داشت که دولت به دهقانان وام، بذر، کود و ماشین‌های کشاورزی واگذار کرده‌است.

سلطان علی کشتمند از کشورهای سوسیالیستی، به ویژه اتحاد شوروی، به خاطر کمک‌های همه‌جانبه آنها به افغانستان تشکر نمود.

ضیاء الحق، رئیس جمهور پاکستان، انعطاف پیشنهادهای جدید افغانستان را درباره عادی سازی مناسبات آن با کشورهای همسایه یادآور شد.

پراودا:

آمریکا پس از از دست دادن ایران در کشورهای دیگر پایگاه می‌جوید

"پراودا" (اتحاد شوروی) نوشت: "هدف از تصمیم "واشنگتن" درباره واگذاری وسیع جنگ افزارهای مدرن به عربستان سعودی ایجاد سرپل استراتژیک جدیدی در منطقه است. ایالات متحده قرار است ۵ هواپیمای "آواکس"، موشک و دیگر جنگ افزارهای جدید در اختیار عربستان سعودی بگذارد. علاوه بر این، کارشناسان نظامی بیشتری به آن کشور فرستاده خواهند شد.

"پراودا" به نقل از باتلی، یکی از معاونان وزارت خارجه آمریکا، می‌نویسد که تکنیسین‌های امروزی "آواکس" فردا به آسانی خواهند توانست تجهیزات "سپاه واکنش سریع" را بکار ببندازند.

"پراودا" درباره گسترش حضور نظامی آمریکا در منطقه می‌افزاید: "پنتاگون پس از از دست دادن مواضع آمریکا در ایران می‌کوشد تا از تجهیزات نظامی در عمان، کنیا و سومالی استفاده کند."

اتحاد مردمان

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

محمود اعتماده زاده (م. ا. به‌آذین)

آدرس: منطقه ۳ پستی

صندوق پستی ۱۱۱۷/۳۱۴

بیمان نظامی چین، زابن، کره جنوبی و کشورهای "آستان"

به گزارش مجله آمریکایی "یو. اس. نیوز اندورلد ریپورت"، دولت آمریکا ایجاد پیمان نظامی بزرگی را در آسیا مرک از چین، ژاپن، کشورهای عضو "آستان" و کره جنوبی طرح می‌ریزد.

واشینگتن روی همکاری استراتژیک با "پکن" تاکید می‌ورزد. دو کشور از جمله، به‌باند‌های تروریستی برای تخریب در افغانستان و کامبوجیا، کمک می‌رسانند.

تفرقه اندازی آمریکا در جنبش فلسطین

"اروسیا" (اتحاد شوروی) نوشت که ایالات متحده آمریکا اکنون به طرح نوظئه‌ای برای احاد دفاعی در سازمان آزادی بخش فلسطین "مشغول است. به نوبه این روزنامه:

"واشینگتن روی سازشکاری برجی فلسطینی‌ها حساب می‌کند. رژیم سادات بر در این نوظئه ترک دارد. در فاهره با اصطلاح "جنبش فلسطین برای احاد ملی" تاسیس یافته‌است، که هدف آن تفرقه‌انگیزی میان فلسطینی-ها و اتحاد شوروی است."